



The International Court of Justice's Step Toward Predictability in Maritime Delimitation: The Three-Stage Delimitation Approach in Light of the Black Sea Case

Kian Biglarbeigi *

Ph.D. Candidate in International Law, Faculty of
Law and Political Science, University of Tehran,
Tehran, Iran.

Abstract

Although maritime delimitation is originally an expression of territorial sovereignty, when other states are involved, reaching an agreement becomes necessary. Maritime delimitation is the process by which overlapping maritime zones are separated through the definition and determination of precise boundaries, as unilateral delimitations, unlike in domestic law, have no place in international law. According to Articles 73(1) and 84 of the United Nations Convention on the Law of the Sea (UNCLOS), in order to achieve an equitable solution, the delimitation of the exclusive economic zone (EEZ) and the continental shelf between states with opposite or adjacent coasts must be carried out by agreement and treaty, in accordance with international law as referred to in Article 38 of the Statute of the International Court of Justice (ICJ). Thus, states may, for instance, submit their disputes to international courts and tribunals for resolution. It is noteworthy that, given the customary nature of the delimitation process, the ICJ, in the North Sea Continental Shelf cases, took the initiative in developing principles and criteria for achieving an equitable solution in maritime delimitation—a method referred to as *result-oriented equity*. However, this approach has been criticized for its subjectivity and discretion, making judicial or arbitral proceedings on maritime delimitation unpredictable. In this regard, the ICJ, in the Black Sea case, formally and explicitly established and endorsed the three-stage delimitation method for the EEZ and continental shelf. Today, the judgment in this case is recognized as the leading precedent on the delimitation method. Accordingly, this article, using a descriptive–analytical approach and library-based research, examines the aforementioned judgment.

Keywords: maritime delimitation, continental shelf, exclusive economic zone (EEZ), equidistance line, equity, international court of justice, Black Sea

Received: 06/May/2025

Accepted: 01/September/2025

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

قدم نهادن دیوان بین‌المللی دادگستری در راستای پیش‌بینی‌پذیر نمودن تحدید حدود دریایی؛ تحدید حدود سه‌مرحله‌ای در پرتو قضیه تحدید حدود دریایی در دریای سیاه

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

کیان بیگلربیگی *

چکیده

اگرچه تحدید حدود دریایی اصالتاً نمودی از حاکمیت سرزمینی است؛ اما هنگامی که پای سایر کشورها به میان می‌آید، توافق ضرورت پیدا می‌کند. تحدید حدود دریایی فرآیندی است که در آن، با تعریف و تعیین خطوط مشخص، مناطق دریایی که با یکدیگر تداخل دارند، از هم جدا می‌شوند و تحدید حدودهای یک‌جانبه برخلاف حقوق داخلی، جایگاهی در حقوق بین‌الملل ندارند. مطابق بند ۱ مواد ۷۳ و ۸۴ کنوانسیون حقوق دریاها، برای دستیابی به یک راه‌حل منصفانه، تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی/فلات قاره بین کشورهای دارای سواحل مقابل یا مجاور با توافق و قرارداد بر اساس حقوق بین‌الملل به نحو پیش‌گفته در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، تعیین خواهد شد. از این‌رو، دولت‌ها برای مثال می‌توانند با مراجعه به دیوان‌ها و محاکم بین‌المللی، به حل اختلاف‌هایشان بپردازند. البته شایان ذکر است، با عنایت به عرفی بودن فرآیند تحدید حدود، دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فلات قاره دریای شمال، ابتکار عمل برای توسعه اصول و معیارهای دستیابی به راه‌حل منصفانه جهت تحدید حدود را آغاز نموده بود که از آن به‌عنوان انصاف نتیجه محور نام می‌برند؛ اما انتقادی که به این رویکرد وارد است، آن است که اعمال آن ذهنی و سلیقه‌ای است به‌طوری‌که رسیدگی قضایی/داوری به تحدید حدود دریایی را پیش‌بینی‌ناپذیر می‌کند. در این راستا، سرانجام در قضیه دریای سیاه، دیوان رسماً و صریحاً روش تحدید حدود سه‌مرحله‌ای را برای تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره تبیین و تجویز کرد؛ چنان‌که امروزه رأی این قضیه به‌عنوان سابقه اصلی در مورد روش تحدید حدود شناخته می‌شود. بدین منظور در مقاله حاضر سعی شده است با روش توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای، رأی پیش‌گفته مورد بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: تحدید حدود، فلات قاره، منطقه انحصاری اقتصادی، خط هم‌فاصله، انصاف، دیوان بین‌المللی دادگستری، دریای سیاه

مقدمه

در ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۴، رومانی دادخواستی را نزد دیوان بین‌المللی دادگستری ثبت کرد که به موجب آن، دعوایی را علیه اوکراین در رابطه با اختلاف «مربوط به ایجاد خط مرزی دریایی میان دو کشور در دریای سیاه و تحدید حدود فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی طرفین» اقامه کرد.^۱ در این دادخواست، رومانی اظهار می‌دارد که در ۲ ژوئن ۱۹۹۷، میان آن کشور و اوکراین، به جز معاهده‌ای راجع به روابط همکاری و حسن هم‌جواری^۲، موافقت‌نامه الحاقی^۳ نیز به امضاء رسیده است که طبق آن، دو کشور ملزم به نیل به توافق بر سر موضوعات پیش گفته شده‌اند که هر دو سند نیز در ۲۲ اکتبر ۱۹۹۷ لازم‌الاجرا شده‌اند.

رومانی استدلال می‌کند، مذاکرات فی‌مابین که از سال ۱۹۹۸ آغاز شده، نتیجه‌ای در بر نداشته است. بر اساس مبنای صلاحیتی که رومانی وفق بند (ح)^۴ ماده ۴ موافقت‌نامه الحاقی بدان استناد می‌کند، مقرر می‌شود که اختلاف بایستی طبق درخواست هر یک از طرفین در دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه شود، به شرطی که اختلاف در دوره زمانی معقولی فیصله نیابد و این دوره زمانی نباید بیش از دو سال از زمان آغاز مذاکرات باشد. طرفین در خصوص تعیین مرز دریایی توافق ندارند، به‌ویژه راجع به نقشی که در این رابطه، جزیره مارها^۵ ایفا می‌کند (این جزیره، یک برجستگی دریایی است که در بخش شمال غربی دریای سیاه و تقریباً در ۲۰ مایلی دریایی شرق دلتای دانوب واقع شده است).

همچنین باید اشاره داشت، به این سبب که هیچ‌یک از طرفین در هیئت قضات دیوان، قاضی ملی نداشتند، هر یک از طرفین مبادرت به اعمال حق اعطایی وفق بند ۳ ماده ۳۱ اساسنامه نمودند و برای خود در این قضیه قاضی اختصاصی برگزید. رومانی آقای ژان پیر کوت^۶ (فرانسوی) و اوکراین آقای برنارد اچ. آکسمن^۷ (آمریکایی) را انتخاب کردند. رومانی لایحه^۸ خود و اوکراین لایحه متقابلش^۹ را در چارچوب زمانی که دیوان در قرار مورخ ۱۹ نوامبر ۲۰۰۴ معین کرده بود، ثبت کردند. دیوان در قرار مورخ ۳۰ ژوئن ۲۰۰۶، در محدوده زمانی معین شده ثبت جوابیه^{۱۰} رومانی و پاسخ^{۱۱} اوکراین را به آن‌ها اجازه داد. در این راستا، رومانی پاسخ خود را در محدوده زمانی مشخص شده ثبت نمود و دیوان در قرار مورخ ۸ ژوئن ۲۰۰۷، محدوده زمانی پیش گفته را برای ثبت پاسخ متقابل اوکراین تمدید کرد (پاسخ متقابل باید در محدوده زمانی تمدید شده ثبت می‌شد). جلسات استماع از ۲ تا ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۸ برگزار شد. در آن جلسات، یکی از قضات [دیوان] از طرفین سؤالاتی نمود که پاسخ‌ها به صورت شفاهی طبق بند ۴ ماده ۶۱ قواعد رسیدگی دیوان ارائه شد. در فرآیند رسیدگی شفاهی، لوایح زیر توسط طرفین ارائه شد (همچنین، بنگرید به نقشه شماره یک منضم به رأی).

دولت رومانی در جلسه استماع مورخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۸؛ «احتراماً از دیوان درخواست می‌نماید تا یک مرز دریایی واحد که مناطق دریایی رومانی و اوکراین را در دریای سیاه با مشخصه‌های زیر تقسیم می‌کند، ترسیم نماید:

1. Available at: <https://www.icj-cij.org/case/132>

2. Treaty on the Relations of Good Neighbourliness and Co-operation between Romania and Ukraine, signed on 2 June 1997.

3. additional agreement

4. H

5. Serpents' Island

6. Jean-Pierre Cot

7. Bernard H. Oxman

8. memorial

9. counter-memorial

10. reply

11. duplicate/rejoinder

الف) از نقطه F در ۴۵ درجه و ۵ دقیقه و ۲۱ ثانیه شمالی، ۳۰ درجه و ۲ دقیقه و ۲۷ ثانیه شرقی در ۱۲ مایل دریایی که جزیره مارها را احاطه کرده است، به نقطه X در ۴۵ درجه و ۱۴ دقیقه و ۲۰ ثانیه شمالی و ۳۰ درجه و ۲۹ دقیقه و ۱۲ ثانیه شرقی؛

ب) از نقطه X در یک فاصله مستقیم به نقطه Y در ۴۵ درجه و ۱۱ دقیقه و ۵۹ ثانیه شمالی و ۳۰ درجه و ۴۹ دقیقه و ۱۶ ثانیه شرقی؛

ج) بر اساس خط هم‌فاصله^۱ میان سواحل مجاور رومانی و اوکراین از نقطه Y که از نقطه D در ۴۵ درجه و ۱۲ دقیقه و ۱۰ ثانیه شمالی عبور می‌کند، به نقطه T در ۴۵ درجه و ۹ دقیقه و ۴۵ ثانیه شمالی و ۳۱ درجه و ۸ دقیقه و ۴۰ ثانیه شرقی؛

د) بر اساس خط میانه^۲ میان سواحل مقابل رومانی و اوکراین از نقطه T که از نقاط ۴۴ درجه و ۳۵ دقیقه شمالی و ۳۱ درجه و ۱۳ دقیقه و ۴۳ ثانیه شرقی و ۴۴ درجه و ۴ دقیقه و ۵ ثانیه شمالی، ۳۱ درجه و ۲۴ دقیقه و ۴۰ ثانیه شرقی عبور می‌کند تا برسد به نقطه Z در ۴۳ درجه و ۲۶ دقیقه و ۵۰ ثانیه شمالی و ۳۱ درجه و ۲۰ دقیقه و ۱۰ ثانیه شرقی». در ضمن، دولت اوکراین در جلسه استماع مورخ ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۸، «به دلایلی که در دفاعیات کتبی و شفاهی‌اش بیان داشته است، از دیوان درخواست می‌کند تا به قضیه رسیدگی کرده و اعلام نماید، خطی که فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی را میان اوکراین و رومانی تحدید حدود می‌نماید، به قرار زیر است:

الف) از نقطه (نقطه ۱) تعیین شده در ماده ۱ معاهده مورخ ۲۰۰۳ میان اوکراین و رومانی در خصوص تعیین رژیم مرز دولتی اوکراین و رومانی با ملاحظه مختصات ۴۵ درجه و ۵ دقیقه و ۲۱ ثانیه شمالی و ۳۰ درجه و ۲ دقیقه و ۲۷ ثانیه شرقی، خطوط فوق بایستی به صورت یک خط مستقیم به نقطه ۲ با ملاحظه مختصات ۴۴ درجه و ۵۴ دقیقه شمالی و ۳۰ درجه و ۶ دقیقه شرقی امتداد یابد؛

ب) از نقطه ۲، خط مرزی به زاویه ۱۵۶ درجه به نقطه ۳ با ملاحظه مختصات ۴۳ درجه و ۲۰ دقیقه و ۳۷ ثانیه شمالی و ۳۱ درجه و ۵ دقیقه و ۳۹ ثانیه شرقی امتداد یابد و سپس در همان زاویه ادامه یابد تا برسد به نقطه‌ای که بالقوه منافع دولت‌های ثالث در آنجا تحت تأثیر قرار می‌گیرند».

بدین منظور، در ادامه بر اساس موارد پیش گفته به بررسی این رأی پرداخته می‌شود.

۱- جغرافیای کلی^۳

دیوان یادآوری می‌کند که منطقه دریایی که تحدید حدود در قضیه حاضر بایستی در آن انجام شود، در قسمت شمال غربی دریای سیاه واقع شده است. دیوان متذکر می‌شود که این منطقه در حدود ۲۰ مایل دریایی شرق دلتای دانوب، یک برآمدگی طبیعی به نام جزیره مارها واقع شده است. جزیره مارها به هنگام مد در بالای آب قرار دارد و شامل منطقه مسطحی در حدود ۰/۱۷ کیلومتر مربع و محیط تقریبی ۲۰۰۰ متر است.

1. equidistance line

2. median line

3. *Maritime Delimitation in the Black Sea, (Romania v. Ukraine)*, I.C.J., Judgment 2009, pp. 68-70, paras. 14-16



نقشه ترسیمی شماره ۱. خطوط مرزی ادعا شده توسط رومانی و اوکراین

۲- موضوعات حقوقی مقدماتی^۱

۱-۲- موضوع اختلاف^۲

دیوان خاطرنشان می‌سازد که اختلاف میان رومانی و اوکراین مربوط به تعیین مرز دریایی واحدی^۳ است که فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی میان دو دولت را در دریای سیاه تحدید حدود می‌نماید.

۲-۲- صلاحیت دیوان و محدوده آن^۴

طرفین در این مورد توافق دارند که تمام شرایط برای صلاحیت دیوان در زمان ثبت دادخواست مهیا بوده و از این رو، دیوان صلاحیت رسیدگی به این قضیه را دارا است. با این حال، آن‌ها در خصوص محدوده واقعی صلاحیت اعطاشده به دیوان اختلاف نظر دارند.

1. *op. cit.*, pp. 70-78, paras. 17-42

2. *Ibid*, p. 70, paras. 17-19

3. single maritime boundary

4. *Ibid*, pp. 70-74, paras. 20-30

دیوان ملاحظه می‌نماید که اوکراین این گونه ادعا نمی‌کند که طبق حقوق بین‌الملل به‌عنوان یک موضوع اصلی، خط تحدید حدود نمی‌تواند دریای سرزمینی دولتی را از منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره دولت دیگر جدا سازد. درواقع، چنین خطی توسط دیوان در آخرین تصمیمش راجع به تحدید حدود دریایی تعیین شده بود.^۱ اوکراین با استناد به منطوق بند ۴ (ح) موافقت‌نامه الحاقی فی‌مابین بر این نظر است که طرفین از دیوان نخواستند تا وارد تحدید حدود شود که از یک مرز دریایی همه‌جانبه^۲ انتظار می‌رود. به عبارت دیگر، دیوان نایستی به تحدید حدود مرز دریایی پردازد که در امتداد حد خارجی دریای سرزمینی اوکراین در پیرامون جزیره مارها واقع شده است. مطابق عبارت‌پردازی بند ۴ (ح) موافقت‌نامه الحاقی، «مسئله تحدید حدود فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی بایستی به صورت بی‌طرفانه‌ای توسط دیوان بین‌المللی دادگستری حل و فصل شود، به گونه‌ای که خط تحدید حدود بایستی مناطق پیش‌گفته را در امتداد طول آن مورد لحاظ قرار دهند». دیوان بر این عقیده است که او باید مقرره پیش‌گفته در موافقت‌نامه الحاقی را که وفق آن به دیوان صلاحیت اعطا شده، در پرتو موضوع و هدف موافقت‌نامه و سیاق آن تفسیر نماید. این موافقت‌نامه در همان روز معاهده حسن هم‌جواری و همکاری میان رومانی و اوکراین منعقد گردیده است. بند ۲ ماده ۲ معاهده مقرر می‌دارد:

«طرف‌های متعاهد، معاهده مجزایی را در خصوص رژیم مرزی دو دولت منعقد خواهند کرد که بر اساس آن، مسئله تحدید حدود فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی آن‌ها در دریای سیاه بر اساس اصول و آیین‌های دادرسی توافق شده از طریق تبادل نامه‌های میان وزیران امور خارجه فیصله یابد که این امر، با امضاء معاهده متقارن خواهد بود. تفاهم متضمن این تبادل نامه‌ها، مقارن با لازم‌الاجرا شدن این معاهده، لازم‌الاجرا خواهد شد.»

موافقت‌نامه الحاقی، شیوه مؤثری را برای التزام طرفین که در بند ۲ ماده ۲ معاهده حسن هم‌جواری و همکاری پیش‌تر گفته شد، مقرر می‌دارد. طرفین به‌ویژه، در بند ۱ موافقت‌نامه الحاقی مشخص کرده‌اند که انعقاد معاهده در خصوص رژیم مرزی میان دو دولت نمی‌بایستی «بیش از دو سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن معاهده حسن هم‌جواری و همکاری یعنی تاریخ ۲۲ اکتبر ۱۹۹۷ به طول انجامد». در بند ۴ همان موافقت‌نامه، طرفین مشخص کرده‌اند که موافقت‌نامه تحدید حدود فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی در دریای سیاه بایستی توسط طرفین مورد مذاکره قرار گیرد. دیوان توجه دارد که طرفین قصد داشته‌اند تمام موضوعات مرزی میان آن‌ها، چه زمینی و چه دریایی، به نحو جامعی فیصله یابد. طبق تفسیر مضیق اوکراین، دیوان «مسئله تحدید حدود میان دو دولت را حل و فصل نخواهد کرد» و دیوان نمی‌تواند مسئله فوق را ماهیتاً برای اوکراین حل کند.

دیوان یادآور می‌شود که معاهده مربوط به رژیم مرزی دولتی که در ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳ منعقد شده بود، یعنی ۶ سال پس از لازم‌الاجرا شدن معاهده حسن هم‌جواری و همکاری، اساساً مدنظر دو سند پیش‌گفته قرار نگرفته است. ماده ۱ معاهده رژیم مرزی دولتی مورخ ۲۰۰۳ تشریح می‌نماید که خط مرزی میان دو دولت نه‌فقط شامل خط زمینی بلکه شامل خطی است که دریاها و سرزمینی طرفین را «تابالای نقطه ۴۵ درجه ۵ دقیقه و ۲۱ ثانیه شمالی در عرض جغرافیایی و ۳۰ درجه و ۲ دقیقه و ۲۷ ثانیه شرقی در طول جغرافیایی را جدا می‌کند و این نقطه با [دریای سرزمینی اوکراین پیرامون جزیره مارها] و همچنین، مرز دولت رومانی که از محدوده خارجی دریای سرزمینی رومانی عبور می‌کند، در تلاقی است».

در خصوص تحدید حدود فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی در دریای سیاه، هیچ توافقی به دست نیامده بود. طرفین در بند ۴ (ح) موافقت‌نامه الحاقی در نظر داشتند که در چنین شرایطی هر یک از آن‌ها بتواند از دیوان درخواست

1. See: *Territorial and Maritime Dispute between Nicaragua and Honduras in the Caribbean Sea*, (Nicaragua v. Honduras), I.C.J. Reports 2007 (II), p. 659
2. all-purpose maritime boundary

کند تا در خصوص موضوع تحدید حدود تصمیم بگیرد؛ بنابراین، رأی دیوان جایگزین فقدان توافق طرفین در تحدید حدود فلات قاره و مناطق انحصاری اقتصادی خواهد شد و تمام موضوعات این چینی که توسط طرفین حل نشده است، مرتفع خواهد شد.

دیوان در ایفای وظیفه‌اش، به طور مقتضی به موافقت‌نامه لازم‌الاجرا میان طرفین راجع به تحدید حدود دریای سرزمینی‌شان توجه خواهد کرد. دیوان هیچ صلاحیتی برای تحدید حدود دریاها و سرزمینی طرفین ندارد. صلاحیت دیوان صرفاً تحدید حدود فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی آن‌ها را تحت پوشش قرار می‌دهد. با این حال، برخلاف آنچه اوکراین اظهار کرده است، هیچ چیز مانع از اعمال صلاحیت دیوان در تحدید حدود خط مرزی نمی‌شود، به گونه‌ای که ترسیم خط پیش‌گفته ممکن است منجر به تحدید حدود میان منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره یک دولت از یک سو و دریای سرزمینی دولت دیگر در منطقه مشرف به دریا شود.

۲-۳- حقوق قابل اعمال^۱

دیوان در تصمیم‌گیری در مورد آنکه خط تحدید حدود دریایی واحد چگونه ترسیم شود، به موافقت‌نامه لازم‌الاجرا میان طرفین توجه خواهد داشت؛ صرف‌نظر از اینکه آیا صورت‌جلسه^۲ تنظیمی میان رومانی و اتحاد جماهیر شوروی [سابق] در سال‌های ۱۹۴۹، ۱۹۶۳ و ۱۹۷۴ منجر به انعقاد موافقت‌نامه‌های تحدید حدود در مفهوم بندهای ۴ مواد ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون حقوق دریاها شده است یا نه، در تحدید حدود منوط به نتیجه‌ای است که دیوان از استدلال رومانی خواهد گرفت دایر بر اینکه طرفین نقطه شروع مرز دریایی را که دیوان بایستی تعیین نماید، مشخص کرده‌اند. دیوان این موضوع را در قسمت ۳۴ مورد توجه قرار می‌دهد.

در رابطه با اصول فهرست‌شده در زیربخش‌های (الف تا ث)^۴ بند ۴ موافقت‌نامه الحاقی، دیوان بر این نظر است که صدر^۵ بند مقرر می‌دارد که «دولت (حکومت) اوکراین و دولت (حکومت) رومانی در مورد یک موافقت‌نامه در زمینه تحدید حدود فلات قاره و مناطق انحصاری اقتصادی در دریای سیاه، بر اساس اصول و آیین‌هایی که متعاقباً خواهد آمد، مذاکره خواهند نمود» (تأکید اضافه شده است) که بنا به اظهارات طرفین اصول پیش‌گفته مدنظر آن‌ها بایستی در مذاکراتشان راجع به تحدید حدود دریایی مورد توجه قرار گیرد؛ اما این باعث نمی‌شود تا قواعد حقوقی را ایجاد کند که توسط دیوان قابل اعمال باشد. این لزوماً بدان معنا نیست که این اصول «فی‌نفسه»^۶ در قضیه مطروحه قابلیت اعمال نداشته باشند؛ اصول یادشده ممکن است تا حدودی که بخشی از قواعد مرتبط حقوق بین‌الملل محسوب شوند، مورد اعمال قرار گیرند. سپس، دیوان یادآور می‌شود که اصول فهرست‌شده در موافقت‌نامه الحاقی توسط طرفین در ۱۹۹۷ تنظیم شده و لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون حقوق دریاها میان طرفین در ۱۹۹۹ بدین معناست که اصول مربوط به تحدید حدود دریایی که طبق بند ۱ مواد ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون پیش‌گفته تعیین شده است، بایستی در این قضیه توسط دیوان اعمال شود.

1. *Maritime Delimitation in the Black Sea, op. cit.*, pp. 74-78, paras. 31-42

2. Procès-Verbal

3. Existing maritime delimitation between the parties (Effect of the procès-verbaux of 1949, 1963 and 1974, as well as the 1949 and 1961 treaties between Romania and the USSR and the 2003 treaty between Romania and Ukraine)

تحدید حدود دریایی کنونی میان طرفین (نتیجه صورت‌جلسه مورخ ۱۹۴۹، ۱۹۶۳ و ۱۹۷۴ همانند معاهدات مورخ ۱۹۴۹ و ۱۹۶۱ میان رومانی و اتحاد جماهیر شوروی [سابق] و معاهده مورخ ۲۰۰۳ میان رومانی و اوکراین) (بندهای ۷۶-۴۳).

4. A to E

5. Chapeau

6. Per se

سرانجام، در خصوص اعلامیه رومانی، دیوان ملاحظه می‌کند که طبق ماده ۳۱۰ کنوانسیون حقوق دریاهای دولت‌ها از صدور اعلامیه و بیانیه در زمان امضاء، تصویب یا الحاق به کنوانسیون منع نشده‌اند، مشروط بر اینکه هدف آن‌ها مستثنی کردن یا تغییر اثر حقوقی مقررات کنوانسیون حقوق دریاهای نباشد؛ بنابراین، دیوان مقررات مربوط به کنوانسیون حقوق دریاهای آن‌گونه که در رویه‌اش تفسیر شده، وفق ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات مورخ ۲۳ مه ۱۹۶۹ اعمال خواهد کرد. از این رو، اعلامیه رومانی تاب تفسیر از سوی دیوان را ندارد.

۳- تحدید حدود دریایی کنونی میان طرفین (نتیجه صورت‌جلسه مورخ ۱۹۴۹، ۱۹۶۳ و ۱۹۷۴ همانند معاهدات مورخ ۱۹۴۹ و ۱۹۶۱ میان رومانی و اتحاد جماهیر شوروی [سابق] و معاهده مورخ ۲۰۰۳ میان رومانی و اوکراین)^۱

دیوان خاطرنشان می‌سازد که طرفین در خصوص اینکه آیا پیش از این توافقی در خصوص مرز دریایی اطراف جزیره مارها در تمام ابعاد آن وجود داشته یا نه، اتفاق نظر ندارند. از این رو، درباره نقطه شروع تحدید حدود نیز که بایستی توسط دیوان تعیین شود، به توافقی دست نیافته‌اند. دیوان برای روشن شدن موضوعات مورد بحث، بایستی دو موضوع را مشخص کند: یکی تعیین نقطه شروع تحدید حدود برای کارکرد مرز زمینی و مرز دریای سرزمینی، همان‌گونه که پیش از این توسط طرفین تعیین شده است و دوم آنکه آیا مرز دریایی مورد توافق طرفین در اطراف جزیره مارها وجود داشته یا نه و ماهیت چنین مرزی چیست؟ به‌ویژه اینکه آیا این مرز، دریای سرزمینی اوکراین را از فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی رومانی که مورد ادعای رومانی و مورد انکار اوکراین بوده، از یکدیگر جدا می‌سازد یا نه؟ در ابتدا دیوان بیان می‌دارد که صورت‌جلسات^۲ مورخ ۱۹۴۹ حاصل کار کمیسیون مرزی مشترک مأمور اجرای پروتکل تعیین خط مرز دولتی میان جمهوری خلق رومانی و اتحاد جماهیر شوروی [سابق] (که از این پس «پروتکل ۱۹۴۸» خوانده می‌شود)، امضاء شده در ۴ فوریه ۱۹۴۸ در مسکو بوده است. از این مذاکرات چنین برمی‌آید که این پروتکل در ابتدای امر، با هدف جرح و تعدیل آنچه در معاهده صلح پاریس مورخ ۱۹۴۷ میان نیروهای متفق و متحد با رومانی مورد توافق قرار گرفته بود، تدوین شده است. این معاهده تأیید می‌کند که مرز رومانی-شوروی بر اساس موافقت‌نامه رومانی-شوروی مورخ ۲۸ ژوئن ۱۹۴۰ و موافقت‌نامه شوروی-چک‌سلواکی مورخ ۲۹ ژوئن ۱۹۴۵ تعیین شده است. متن معاهده صلح، مقرر صریحی در مورد جزیره مارها ندارد. با این حال، پروتکل ۱۹۴۸ مقرر می‌دارد که مرزهای ملی میان دولت‌ها باید به قرار زیر ترسیم شود:

۱. «مرز دولتی میان رومانی و اتحاد جماهیر شوروی [سابق] که در نقشه‌های ضمیمه شماره‌های ۱ و ۲ پروتکل

حاضر معین شده است، به شرح زیر ترسیم می‌شود:

الف) مطابق با ضمیمه شماره یک: [توصیف مرز زمینی میان رومانی و اتحاد جماهیر شوروی سابق]؛

ب) مطابق با ضمیمه شماره دو: در طول رودخانه دانوب از پاودینا^۳ تا دریای سیاه به‌طوری که از جزایر تاتار

کوچک^۴، دالرو کوچک و بزرگ^۵؛ مایکان^۶ و لیمبا^۷ در سمت [اتحاد جماهیر شوروی سابق] و جزایر تاتار بزرگ^۸،

1. *op. cit.*, pp. 78-89, paras. 43-76

2. Procès-Verbaux

3. Pavdina

4. Ta'taru Mic

5. Daleru Mic and Mare

6. Maican

7. Limba

8. Ta'taru Mare

چرنیوتسی^۱ و بابینا^۲ در سمت رومانی عبور می‌کند. جزیره مارها که در دریای سیاه و سمت شرقی دهانه دانوب قرار دارد، جزء قلمرو اتحاد جماهیر شوروی [سابق] به شمار می‌آید.

توصیف مرز دولتی مورخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۴۹ مشتمل بر صورت جلسه توصیف کاملی از علامت گذاری است که به شکل پیمایش (پیمودن عبور) خط مرز دولتی از علامت مرزی شماره ۱۰۵۲ تا علامت مرزی شماره ۱۴۳۹ تداوم می‌یابد و شامل هر دو قلمرو زمینی (خشکی) در محدوده مرز ملی و قلمرو دریایی تا نقطه شماره ۱۴۳۹ است. این توصیف خط مرزی در صورت جلسه پیش گفته پیش از توافق‌های آتی بوده و از اهمیت بسزایی در قضیه حاضر برخوردار است. طبق صورت جلسه عمومی که خط مرز دولتی را به نحو کاملی توصیف می‌کند، مرز از نقطه تعریف شده در منتهی‌الیه مرز رودخانه‌ای دو کشور (نقطه شماره ۱۴۳۷) در فاصله اندکی تا طول اواسط مجرای رودخانه ادامه می‌یابد و سپس، اندکی از سمت جنوب و جنوب شرقی امتداد خط مستقیم تا راهنمای شناور^۳ مستقر در آب (نقطه شماره ۱۴۳۸) عبور می‌کند؛ از نقطه شماره ۱۴۳۸ جهت خط مرزی در دریای سیاه تغییر می‌یابد و با تمایل کمی به سمت شرقی، خط مستقیم را تا حدود ۱۲ مایلی یک فانوس دریایی^۴ (نقطه شماره ۱۴۳۹) به منزله آخرین نقطه‌ای که مختصات آن توسط کمیسیون تعیین شده است، امتداد می‌یابد. این نقطه‌ای است که در آن، خط مستقیم ترسیمی از نقطه شماره ۱۴۳۸ با «حاشیه خارجی خط مرز دریایی شوروی در ۱۲ مایلی اطراف جزیره مارها» برخورد می‌کند. این سند با این جمله ادامه می‌یابد: «خط مرز دولتی از مرز علامت شماره ۱۴۳۹ (فانوس دریایی) تا حاشیه خارجی مرز دریایی ۱۲ مایلی عبور می‌کند تا جزیره مارها را در سمت شوروی قرار دهد».

خطوط مرزی در نقشه ترسیمی^۵ در صورت جلسه اختصاصی مرز نقطه شماره ۱۴۳۹ (که تقریباً شامل همان اظهاراتی است که بیان شد) با استفاده از همان روش‌های دهانه رودخانه (شماره ۱۴۳۷) در طول خط مرزی در آب‌های ساحلی تا نقطه شماره ۱۴۳۸ و نقطه شماره ۱۴۳۹ و سپس در ورای کمان^۶ اطراف جزیره مارها در حدود ۵ مایل تا نقطه‌ای که در آن، کمان پیش گفته در حاشیه نقشه ترسیمی مندرج در صورت جلسه خاتمه می‌یابد، امتداد پیدا می‌کند. اصطلاحات «CCCP» و «URSS» برای طرف شوروی و اصطلاحات «RPR» و «PHP» برای طرف رومانی در نقشه ترسیمی منضم به صورت جلسات اختصاصی مورخ ۱۹۴۹ و ۱۹۶۹ مورد استفاده واقع شده‌اند. عبارت پردازی تقریباً مشابهی در صورت جلسه‌های مورخ ۱۹۴۹ مربوط به خط فراتر از نقطه شماره ۱۴۳۹ در سند مورخ ۱۹۵۴ امضاء شده توسط نمایندگان رسمی دو کشور مربوط به علامت مرزی شماره ۱۴۳۹ به کار گرفته شده است.

در نوامبر ۱۹۴۹ و فوریه ۱۹۶۱، رومانی و اتحاد جماهیر شوروی [سابق] معاهداتی در مورد رژیم مرزی خود منعقد کرده‌اند که معاهده پیشین، جایگزین معاهده قبلی شده است. با توجه به این دو موافقت‌نامه، مرز دولتی میان آن‌ها با ارجاع به موافقت‌نامه‌های پیشین، از جمله اسناد مرتبط با علامت گذاری بعدی در ۱۹۶۳ تعیین خواهد شد، به گونه‌ای که آن فرآیند متضمن هیچ تغییری در علامت مرزی شماره ۱۴۳۹ و نیز نقشه‌های ترسیمی منضم به آن نخواهد شد. توصیف کلی مرز، شامل حق عبوری مشابه آنچه در اسناد پیشین راجع به تغییر «منطقه مرز دریایی شوروی» آمده، جایگزین دریای سرزمینی اتحاد جماهیر شوروی [سابق] می‌شود:

«طبق علامت مرزی شماره ۱۴۳۹ (فانوس دریایی)، مرز دولتی از حاشیه خارجی ۱۲ مایلی دریای سرزمینی اتحاد جماهیر شوروی [سابق] عبور می‌کند و جزیره مارها را در سمت اتحاد جماهیر شوروی [سابق] قرار می‌دهد».

1. Cernovca
2. Babina
3. Buoy Anchored
4. Beacon
5. Sketch-Map
6. Arc

مذاکرات مربوط به علامت‌گذاری در طول دهه ۱۹۷۰ انجام شده است: در صورت جلسه عمومی سال ۱۹۷۴ از همان واژگانی استفاده شده که در صورت جلسه عمومی سال ۱۹۶۳ استفاده شده است در حالی که در صورت جلسه اختصاصی سال ۱۹۷۴ از ادبیات به کاررفته در صورت جلسه عمومی سال ۱۹۴۹ استفاده شده بود، صورت جلسه اختصاصی سال ۱۹۷۴ متضمن نقشه ترسیمی با همان مشخصاتی بود که بر اساس علامت‌گذاری قسمت‌های مختلف مرز انجام شده بود و از اصطلاحات «CCCP/URSS» و «PHP/RPR» استفاده شده بود و این اصطلاحات در نقشه‌های ترسیمی منضم به صورت جلسه‌های اختصاصی سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۶۳ به کار برده شده است.

معاهده نهایی در این خصوص، معاهده رژیم مرزی دولتی مورخ ۲۰۰۳ است. در مقدمه، دولت‌های متعاهد تمایل خود را برای توسعه روابط دوستانه بر اساس اصول و مقررات آن معاهدات بر مبنای حسن هم‌جواری و همکاری ابراز داشته‌اند. در موافقت‌نامه الحاقی، اصول و فرآیندی برای تحدید حدود فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی مقرر شده است. در ماده ۱ معاهده ۲۰۰۳، مرز دولتی با ارجاع به معاهده ۱۹۶۱ رومانی - شوروی [سابق] و «نیز تمام اسناد مربوط به تعیین سرحدات مشابه، نقشه‌های مرز دولتی ...، پروتکل‌های علائم مرزی با طرح‌های ترسیمی و اسناد تصدیق شده خط مرزی دولتی که در ۱۶ ژوئیه ۱۹۹۰ لازم‌الاجرا شده»، توضیح می‌دهد که تاریخ پیش گفته، تاریخ پذیرش اعلامیه حاکمیت دولتی اوکراین است. بخش پایانی توصیف پیش گفته بیان می‌دارد که مرز، «از علامت مرزی شماره ۱۴۳۹ (علامت مرزی شناور^۱) در محدوده خارجی آب‌های سرزمینی اوکراین در اطراف جزیره مارها ادامه می‌یابد تا نقطه ۴۵ درجه و ۵ دقیقه و ۲۱ ثانیه شمالی عرض جغرافیایی و ۳۰ درجه و ۲ دقیقه و ۲۷ ثانیه شرقی عرض جغرافیایی که تلاقی می‌کند با نقطه مرز دولتی رومانی که از محدوده خارجی دریای سرزمینی این کشور عبور می‌کند. دریاهای سرزمینی طرفین متعاهد از خط مبدأ اندازه‌گیری می‌شوند که عرض حد خارجی آن‌ها به‌طور ثابت ۱۲ مایل دریایی است».

ماده [۱ معاهده مورخ ۲۰۰۳] با این سه جمله پایان می‌پذیرد:

«اگر تغییرات عینی ناشی از پدیده‌های طبیعی که مربوط به فعالیت‌های انسانی نباشد و ضرورت تغییر چنین مختصات را ایجاب نماید، باید آن تغییرات اعلام گردد و کمیسیون مشترک پروتکل‌های جدیدی را منعقد خواهد کرد.

خط مرزی دولتی، در تمام طول خود، بدون تغییر باقی خواهد ماند، مگر آنکه طرفین متعاهد به نحو دیگری توافق کنند.

تهیه و تنظیم اسناد جدید مرز دولتی، منجر به تجدیدنظر در مرز موجود میان رومانی و اوکراین نمی‌شود». تعریف مرز، دیگر شامل عبور در خصوص «عبور^۲ مرزی یا «ادامه^۳ حاشیه خارجی منطقه دریایی «از» نقطه شماره ۱۴۳۹ نمی‌شود بلکه مرز از آن نقطه تا نقطه تعریف شده امتداد می‌یابد.

از نظر دیوان، استدلالی که توسط رومانی بر مبنای کلمات «از^۴ و «ادامه حاشیه خارجی منطقه مرز دریایی^۵ مطرح شده، نمی‌تواند نقطه X را به عنوان نقطه پایانی مرز مورد توافق پوشش دهد. اول، هیچ یک از نقشه‌های فعلی و طرح‌های ترسیمی در هیچ کجا به نزدیکی نقطه X نرسیده‌اند. دوم، توافقی‌ها مربوط به «مرزهای دولتی» هستند؛ اصطلاحی که به آسانی نمی‌تواند بر نواحی فراتر از سرزمین، از جمله دریاهای سرزمینی، اعمال شود. سوم، درحالی که اوکراین می‌پذیرد که توافقی‌های سال‌های ۱۹۴۹ و پس از آن، نقطه پایانی را مشخص نمی‌کند و نقطه شماره ۱۴۳۹ نقطه پایانی

1. Buoy
2. Passing
3. Going on
4. From
5. goes on the exterior margin of the marine boundary zone

نیست؛ نقشه‌های ترسیمی که بخشی از صورت جلسه در مورد نقطه شماره ۱۴۳۹ هستند، مشخص می‌نمایند که نقطه پایانی کجا می‌تواند باشد؛ یک نشانه روشن‌تر و رسمی‌تر از آن نقطه، درجایی اندکی متفاوت، یعنی در نقشه شماره ۱۳۴ و نه در نقشه‌های ترسیمی، می‌تواند به عنوان یک نقطه مبنایی برای مرز مورد توجه قرار گیرد؛ نقشه پیش گفته بخشی از صورت جلسه عمومی مورخ ۱۹۴۹ است و علائم مرزی شماره‌های ۱۴۳۸ و ۱۴۳۹ تنها بخش کوتاهی از کمان در ماورای نقطه شماره ۱۴۳۹ را نشان می‌دهد. بالأخره آنکه اگر مشخصه‌های دیگر در نقشه شماره ۱۳۴ تماماً به سمت حاشیه نقشه سوق یابند، نقطه‌ای که کمان در آن پایان می‌پذیرد، بخش کوتاهی از حاشیه نقشه را در برمی‌گیرد (و آن بسیار نزدیک به نقطه‌ای است که ۱۲ مایل دریای سرزمینی آتی رومانی با ۱۲ مایل کمان اطراف جزیره [مارها] باید تقسیم شود). فاصله‌ای که میان پایان کمان در آن نقشه و مختصات سال ۲۰۰۳ وجود دارد، در حدود ۲۵۰ متر است.

مسئله عمده در رابطه با نظر رومانی، فقدان هرگونه حمایت از آن نظر در فرآیندهای سال‌های ۱۹۴۹-۱۹۴۸ و توافق انجام شده در مورد نقطه شرقی جزیره مارها است. صرف نظر از ادعای دایر بر عبارات و واژگان صرف، تنها حمایت اندکی از نقطه شرقی جزیره [مارها] در اسناد معاصر (۱۹۴۹) توسط دو نقشه ترسیمی و نقشه شماره ۱۳۴ موجود است. باین حال، آن‌ها در منتهی‌الیه نقطه X رومانی قرار می‌گیرند؛ مضافاً اینکه نتایج حاصل از آن‌ها بسیار متفاوت از یکدیگر و متفاوت از نقشه ترسیمی در صورت جلسه برای نقطه شماره ۱۴۳۹ است و مهم‌تر آنکه متفاوت از پایان کمان است که فقط در نقشه مربوط در موافقت‌نامه مورخ ۱۹۴۹ - نقشه شماره ۱۳۴ - مشخص شده است.

دیوان نتیجه می‌گیرد که در ۱۹۴۹، طرفین در مورد نقطه مرزی با مشخصه شماره ۱۴۳۹ میان رومانی و اتحاد جماهیر شوروی [سابق] توافق داشته‌اند. این نقطه شامل ۱۲ مایل کمان اطراف جزیره مارها است، بدون آنکه نقطه پایانی آن مشخص باشد. طبق ماده ۱ معاهده رژیم مرزی دولتی مورخ ۲۰۰۳، نقطه پایانی مرزی دولتی میان طرفین در نقطه ترسیمی که محل تلاقی مرز دریایی سرزمینی رومانی و اوکراین است، تعیین شده است. دیوان از اینجا به بعد، به این نقطه تحت عنوان «نقطه ۱» ارجاع می‌دهد.

سپس، دیوان به این سؤال می‌پردازد که آیا خط مورد توافقی وجود دارد که دریای سرزمینی اوکراین و فلات قاره و منطقه اقتصادی انحصاری رومانی را تقسیم می‌کند، همان‌طور که دیگری ادعا می‌کند. موضوع مقدماتی به بار اثبات ادعا مربوط می‌شود. همان‌گونه که دیوان در موارد متعددی خاطرنشان ساخته است، طرفی که به یک امر موضوعی به عنوان مبنای ادعای خود استناد می‌جوید، باید آن را اثبات کند (ازجمله قضایای مربوط به حاکمیت بر پدرا برانکا/ پولائو با توپته، صخره‌های میانه و صخره زیر آبی «مالزی علیه سنگاپور»^۲؛ اجرای کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت ژنوسید «بوسنی و هرزگوین علیه صربستان و مونته‌نگرو»^۳، یادآوری قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در و علیه نیکاراگوئه «اختلاف نیکاراگوئه و ایالات متحد آمریکا»^۴). اوکراین تأکید خاصی بر اظهارات جانبی^۵ دیوان در قضیه مربوط به اختلاف سرزمینی و دریایی میان نیکاراگوئه و هندوراس در دریای کارائیب دارد (نیکاراگوئه علیه هندوراس) که در بند ۲۵۳ رأی مورخ ۹ اکتبر ۲۰۰۷ خود مقرر می‌داشت: «ایجاد یک خط مرزی دریایی، موضوع بسیار مهمی است و توافق طرف‌ها نمی‌تواند به‌طور ضمنی مفروض دانسته شود»^۶. [دیوان] معتقد است که در هر حال،

1. Point 1

2. *Sovereignty over Pedra Branca/Pulau Batu Puteh, Middle Rocks and South Ledge*, (Malaysia/Singapore), Judgment, I.C.J. Reports 2008, p. 31, para. 45

3. *Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide*, (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), Judgment, I.C.J. Reports 2007 (I), p. 128, para. 204

4. *Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua*, (Nicaragua v. United States of America), Jurisdiction and Admissibility, Judgment, I.C.J. Reports 1984, p. 437, para. 101

5. Dictum

6. *Territorial and Maritime Dispute between Nicaragua and Honduras in the Caribbean Sea*, *op. cit.*, p. 735, para. 253

اظهارات جانبی مستقیماً به این موضوع ارتباطی ندارد، چرا که در آن قضیه، هیچ توافق مکتوبی وجود نداشت و در نتیجه، هر توافق ضمنی می‌بایست به عنوان یک امر واقعی مدنظر قرار می‌گرفت و بار اثبات ادعا بر عهده دولتی بود که ادعای وجود چنین توافقی را داشت. برعکس، در قضیه حاضر در نزد دیوان، موافقت‌نامه مورخ ۱۹۴۹ و توافقی‌های بعدی [طرفین] وجود دارد. دیوان به جای آنکه در پی یافتن این واقعیت باشد که بار اثبات بر عهده یک طرف یا طرف دیگر باشد که مدعی آن واقعیات است، وظیفه‌اش آن است که آن توافقی‌ها را تفسیر کند. در انجام این وظیفه، دیوان بایستی ابتدا توجهش را بر اصطلاحات آن اسناد که دربردارنده نقشه ترسیمی مربوط است، متمرکز نماید.

دیوان یادآور می‌شود که بند ۴ مواد ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون حقوق دریاهای رومانی ارتباط دارد که بیان می‌کند مرز تحدید‌کننده مناطق انحصاری اقتصادی و فلات قاره در ماورای نقطه ۱ و در امتداد اطراف جزیره مارها به موجب اسناد مورخ شده ۱۹۴۹ تعیین شده است. بند ۴ مواد ۷۴ و ۸۳ [کنوانسیون حقوق دریاهای] مقرر می‌دارد، درجایی که یک موافقت‌نامه لازم‌الاجرای میان دولت‌های مربوط وجود دارد، مسائل مربوط به تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره در انطباق با مقررات آن موافقت‌نامه تعیین خواهد شد. واژه «موافقت‌نامه»^۱ در بند ۴ (و هر جای دیگر در ماده)، به توافقی اطلاق می‌شود که منطقه انحصاری اقتصادی (ماده ۷۴) یا فلات قاره (ماده ۸۳) را که در بند ۱ بدان اشاره می‌کند، تحدید حدود کند. رویه دولتی دلالت بر استفاده از مرز توافق شده‌ای دارد برای تحدید حدود یک منطقه دریایی به منظور تحدید حدود منطقه دیگر که از یک توافق جدید متأثر شده باشد. این وضعیت معمولاً هنگامی رخ می‌دهد که دولت‌ها در مورد اعمال مرز فلات قاره به منطقه انحصاری اقتصادی توافق نمایند. موافقت‌نامه میان ترکیه و اتحاد جماهیر شوروی [سابق] در حالی اعمال شد که مرز فلات قاره به منطقه انحصاری اقتصادی از چنین الگویی تبعیت کرده بود. به همین ترتیب، اگر دولت‌ها قصد دارند که مرز دریای سرزمینی‌شان را که قبلاً بر آن توافق کرده‌اند، مشخص کنند، بایستی در انجام تحدید حدود فلات قاره یا مناطق انحصاری اقتصادی نیز بر اساس شاخص پیش‌گفته، موافقت‌نامه جدیدی منعقد نمایند.

اسناد مورخ ۱۹۴۹ هیچ ارجاعی به منطقه انحصاری اقتصادی یا فلات قاره نداده است؛ اگرچه در سال ۱۹۴۹، اعلامیه ترومن^۲ و ادعاهایی برای همانندی عرض مناطق شناخته‌شده آغاز شده بود؛ اما هیچ‌یک از طرفین در ۱۹۴۹ ادعایی را در خصوص فلات قاره مطرح نکرده و نشانه‌ای از تدارک آن‌ها برای طرح ادعا هم وجود نداشت. کمیسیون حقوق بین‌الملل تا آن زمان اقدامی در مورد حقوق دریاهای نکرده بود؛ البته نهایتاً به کنوانسیون مورخ ۱۹۵۸ در مورد فلات قاره و پذیرش مفهوم موسع آن منجر گردید. [اما ورود] مفهوم منطقه انحصاری اقتصادی در حقوق بین‌الملل سالیان متمادی به طول انجامید. تنها موافقت‌نامه میان طرفین که صریحاً به موضوع تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره پرداخته، موافقت‌نامه الحاقی مورخ ۱۹۹۷ است. این موافقت‌نامه، مرزی را ایجاد نکرده بلکه فرآیند رسیدن به ایجاد چنین مرزی که دست یافتن بدان در این دادرسی‌ها خواسته قوی طرفین بوده را مشخص کرده است. در مقررات مفصل راجع به عواملی که در طول مذاکرات مورد توجه قرار گرفته، هیچ ارجاعی به موافقت‌نامه پیش‌گفته داده نشده است. در سال ۱۹۴۹، هیچ موافقت‌نامه‌ای در مورد تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی یا فلات قاره در چارچوب مفهوم مواد ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون حقوق دریاهای وجود نداشته است.

موضوع بعدی که می‌تواند طبق حقوق بین‌الملل و بند ۲ ماده ۳۱۱ کنوانسیون حقوق دریاهای مطرح شود، این است که اتحاد جماهیر شوروی [سابق] در سال ۱۹۴۹ از کلیه حقوق خود که ممکن بود در آن زمان یا بعداً بر آب‌های فراتر از دریای سرزمینی داشته باشد، چشم‌پوشی کرده بود. در معاهده مورخ ۱۹۴۹ هیچ عبارت صریحی دایر بر اعراض از حق از سوی اتحاد جماهیر شوروی [سابق]، به جز توافقی با رومانی در مورد مرز دولتی، وجود ندارد. عبارتی که

1. Agreement
2. Truman Proclamation

تصریح شده این است که یک مرز دولتی به حاکمیتی اشاره می‌کند که دربردارنده دریای سرزمینی است. مسئله این است که آیا اعراض ضمنی اتحاد جماهیر شوروی [سابق] مربوط به آینده در مفهوم جغرافیایی در رابطه با منطقه‌ای فراتر از ۱۲ مایل دریایی است یا در مفهوم حقوقی در رابطه با مناطقی است که تحت حاکمیت نمی‌باشند؛ اما صلاحیت کاربردی فراتر از دریای سرزمینی را دارا هستند.

رومانی تعداد زیادی از نقشه‌هایی را که توسط شوروی، اوکراین و سایر منابع که عمدتاً مدت‌ها پس از انعقاد اسناد مورخ ۱۹۴۹ تهیه شده بود، تقدیم دیوان کرد. آن اسناد، خمیدگی‌ها^۱ و انحناهایی^۲ در اطراف جزیره مارها با طول‌ها و علامت‌گذاری‌های گوناگون هستند که همگی آن‌ها به فراتر از نقطه‌ای امتداد می‌یابند که به ۱۲ مایل دریاهای سرزمینی طرفین تلاقی پیدا می‌کند. درجایی که وضعیت‌ها به گونه‌ای است که نقشه‌ای وجود ندارد، این امر بر یک توافق جدید یا استاپل^۳ دلالت دارد؛ موضوع این است که آیا هر یک از آن‌ها [(اسناد)] موجب درک صحیح از مفهوم معاهده مورخ ۱۹۴۹ است یا نه. اتحاد جماهیر شوروی [سابق] جزیره مارها را در چارچوب حل و فصل اختلاف سرزمینی که پس از جنگ جهانی دوم پدید آمده بود، به دست آورده است. هدف اولیه اتحاد جماهیر شوروی [سابق] این بود که حل و فصل اختلاف سرزمینی را طبق معاهده [منعقد] با رومانی، از جمله اکتساب جزیره مارها توسط اتحاد جماهیر شوروی [سابق]، محکم و تثبیت نماید.

دیوان تا آن‌جا که به دریای سرزمینی مربوط می‌شود، یادآوری می‌کند که یک ۱۲ مایل منطقه اطراف جزیره مارها باید با ۱۲ مایل منطقه‌ای که اتحاد جماهیر شوروی [سابق] مدعی کل آن برای دریای سرزمینی است، انطباق داشته باشد. این نتیجه ارجاعات درون‌متنی^۴ به کمانی است که در اسناد مورخ ۱۹۴۹ و در ماده ۱ معاهده رژیم مرز دولتی مورخ ۲۰۰۳ پیش‌بینی شده است. آن معاهده صریحاً مدنظر دارد تا امکان تغییرات مختصات مرز دریای سرزمینی مقتضی را بر اساس توافق طرفین در آینده و با توجه به پدیده‌های طبیعی که مرتبط با فعالیت‌های انسانی نیست، لحاظ نماید؛ در آن معاهده مقرر شده است که «دریای سرزمینی طرفین متعاقد از خطوط مبدأیی که در نقطه محدوده خارجی است، باید با عرض ۱۲ مایل دریایی به‌طور ثابت اندازه‌گیری شوند»؛ بنابراین، کمان ۱۲ مایل اطراف جزیره مارها هرگز با دریای سرزمینی رومانی تلاقی پیدا نمی‌کند و هیچ موضوعی در خط ساحلی یا خطوط مبدأ، تغییری ایجاد نخواهد کرد.

سپس، دیوان بررسی می‌نماید که کمان ۱۲ مایل اطراف جزیره مارها در نقشه‌ای که با مرز دولتی مرتبط است، نشان داده شده است؛ این اظهارنظرها مبین آن است که آن کمان به‌سادگی تا محدوده‌ای از دریا، یعنی دریای سرزمینی پیش‌رفته است. شناسایی این موضوع از جانب اتحاد جماهیر شوروی [سابق] در اسناد مورخ ۱۹۴۹ که مرز دولتی‌اش ادامه محدوده خارجی دریای سرزمینی در اطراف جزیره مارها است، به این معنا نیست که او از هرگونه ادعایی بر اطراف نواحی دریایی فراتر از آن منطقه صرف‌نظر کرده باشد. دیوان نتیجه می‌گیرد که اسناد مورخ ۱۹۴۹ فقط با علامت‌گذاری مرز دولتی میان رومانی و اتحاد جماهیر شوروی [سابق] مرتبط است که برحسب آن، اطراف جزیره مارها دنباله محدوده ۱۲ مایلی دریای سرزمینی است. اتحاد جماهیر شوروی [سابق] از ادعای خود دایر بر استحقاق ورای ۱۲ مایل دریای سرزمینی‌اش در رابطه با سایر مناطق دریایی صرف‌نظر نکرده است. در نتیجه، هیچ توافق الزام‌آوری میان رومانی و اوکراین دایر بر اینکه منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره فی‌مابین را تحدید حدود کند، وجود ندارد.

1. Hooks
2. Loops
3. Estoppel
4. Textual references

۴- سواحل مربوط^۱

همان‌طور که طرفین مواضعشان را در رابطه با سواحل وابسته مربوط به‌طور خلاصه مشخص کرده‌اند (نگاه کنید به نقشه ترسیمی شماره‌های ۲ و ۳)، دیوان متذکر می‌شود که طرفین موافق هستند که تمام ساحل رومانی باعث شده است تا ساحل مربوط^۲ موضوع تحدید حدود واقع شود. اولین بخش از ساحل رومانی، از آخرین نقطه مرز رودخانه‌ای با اوکراین به سمت شبه‌جزیره ساکالین^۳ دارای مشخصه دوگانه‌ای در رابطه با ساحل اوکراین است؛ آن ساحل مجاور با ساحل اوکراین است که در شمال واقع شده و در ساحل مقابل، ساحل شبه‌جزیره کریمه^۴ قرار دارد. ساحل رومانی در کل با ناحیه تحدید حدود شده مماس است. با لحاظ نمودن جهت کلی [ساحل رومانی]، طول ساحل مربوط رومانی تقریباً ۲۴۸ کیلومتر است (نگاه کنید به نقشه ترسیمی شماره ۴).

دیوان متذکر می‌شود که هر طرف توجه دارد که ساحل شبه‌جزیره کریمه میان دماغه تارخانکوت^۵ و دماغه ساریچ^۶، همانند ساحل اوکراین از مرز سرزمینی مشترکشان با مسافت کوتاهی به سمت شمال و متعاقباً در جهت شمال شرقی تا خُور نسترو/دنیستر^۷ (رومانی این نقطه را به‌عنوان نقطه S در نظر گرفته است) به‌عنوان ساحل مربوط اوکراین به شمار می‌آید. اختلاف آن‌ها مربوط به ساحلی است که از این نقطه تا دماغه تارخانکوت امتداد دارد.

دیوان با توجه به موضوع مورد اختلاف، دو اصل بنیادی را در رویه قضایی خود مورد تأیید قرار می‌دهد: نخست آنکه «خشکی بر دریا تسلط دارد»^۸، به این صورت که تابش‌هایی که از ساحل به سمت دریا فرستاده می‌شوند، ادعاهای دریایی را ایجاد کرده است^۹؛ دوم آنکه به‌منظور در نظر گرفتن ساحل مربوط در تحدید حدود، ساحل باید تابش‌هایی را ایجاد کند و این تابش‌ها، با تابش‌های ساحل طرف مقابل هم‌پوشانی داشته باشند. در نتیجه، «گستره زیر دریای هر قسمتی از ساحل یک طرف، به دلیل وضعیت جغرافیایی آن، نمی‌تواند با گستره ساحل طرف دیگر هم‌پوشانی داشته باشد و این باید از ملاحظه بعدی دیوان مستثنی گردد»^{۱۰}؛ بنابراین، دیوان نمی‌تواند ادعای اوکراین را دایر بر اینکه سواحل خلیج کارکینیتسکا^{۱۱} قسمتی از ساحل مربوط را تشکیل می‌دهد، بپذیرد. سواحل این خلیج در مقابل یکدیگر قرار دارند و گستره زیر دریای اوکراین نمی‌تواند با گستره ساحل رومانی هم‌پوشانی داشته باشد. سواحل خلیج کارکینیتسکا در منطقه مورد تحدید حدود، تابشی ندارد. در هر حال، این سواحل از ملاحظه بعدی دیوان مستثنی هستند. خط ساحلی خلیج کارکینیتسکا و خُور دنیپر^{۱۲} به همین دلیل مستثنی می‌گردند.

بایستی یادآور شد که دیوان خطی را در مدخل خلیج کارکینیتسکا از دماغه پریبوینی^{۱۳} (در رأس شمال شرقی شبه‌جزیره تارخانکوتسکی^{۱۴} واقع شده و با شیب کم به سمت شمال دماغه تارخانکوت متمایل می‌شود) به نقطه‌ای که در منتهی‌الیه شرقی بخشی از ساحل شمالی اوکراین علامت‌گذاری شده و در مقابل ناحیه موردنظر برای تحدید حدود واقع است، ترسیم می‌کند. این نقطه (که مختصاتش تقریباً در حدود ۴۶ درجه و ۴ دقیقه و ۳۸ ثانیه شمالی و ۳۲ درجه

1. *Maritime Delimitation in the Black Sea*, op. cit., pp. 89-98, paras. 77-105

2. Relevant Coasts

3. Sacalin

4. Crimean Peninsula

5. Cape Tarkhankut

6. Cape Sarych

7. Nistru/Dniester Firth

8. Land dominates The Sea

9. Federal Republic of Germany/ Denmark; *North Sea Continental Shelf*, (Federal Republic of Germany/Denmark), Judgment, I.C.J. Reports 1969, p. 51, para. 96

10. *Continental Shelf*, (Tunisia/Libyan Arab Jamahiriya), Judgment, I.C.J. Reports 1982, p. 61, para. 73

11. Karkinit'ska Gulf

12. Dnieper Firth

13. Cape Priboiny

14. Tarkhankuts'ky

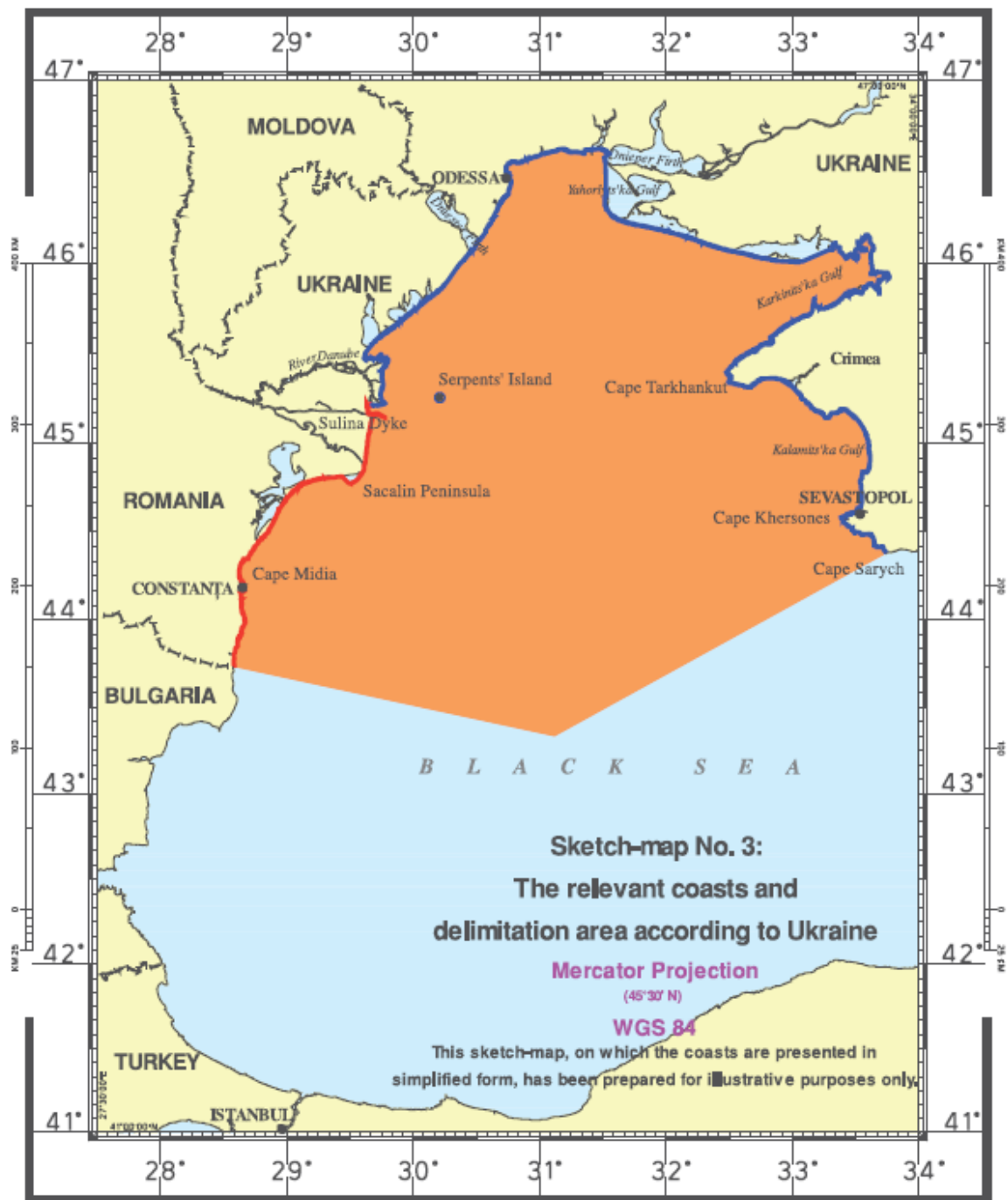
و ۲۸ دقیقه و ۴۸ ثانیه شرقی است) در تقاطع نصف‌النهاری قرار دارد که از دماغه پریبونی با ساحل شمالی خلیج کارکینیتسکا در شرق بندر زالیزنی^۱ می‌گذرد. دیوان دریافته است که انجام این امر در رابطه با مشخصه مهم خلیج کارکینیتسکا مفید است تا دو موضوع روشن شود؛ یکی آنکه چه سواحلی مورد توجه دیوان نخواهند بود و دیگر آنکه چه آب‌هایی در ناحیه سواحل مربوط قرار ندارند. باین حال، دیوان این خط را در محاسبه طول نهایی سواحل مربوط اوکراین در نظر نمی‌گیرد، همان‌طور که خط پیش‌گفته «جایگزین»^۲ سواحل خلیج کارکینیتسکا شود. به‌علاوه، این سواحل در ناحیه مورد تحدید حدود، تابشی ندارند و از این رو، هیچ حقی را به‌عنوان فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی در آن ناحیه ایجاد نمی‌کنند. در نتیجه، خط پیش‌گفته هیچ حقی را به وجود نمی‌آورد.

دیوان در خصوص بخش‌های باقی‌مانده ساحل اوکراین میان نقطه S و دماغه تارخانکوت در نظر می‌گیرد که بخش شمال غربی دریای سیاه (جایی که تحدید حدود انجام شده است)، در عریض‌ترین قسمت کمی بیش از ۲۰۰ مایل دریایی اندازه‌گیری می‌شود و محدوده‌اش از شمال به جنوب از ۲۰۰ مایل دریایی تجاوز نمی‌کند. به دلیل این شکل جغرافیایی، ساحل جنوبی اوکراین تابش‌هایی را ایجاد کرده که با تابش‌های دریایی ساحل رومانی هم‌پوشانی دارد. در نتیجه، دیوان این بخش‌های ساحلی اوکراین را به‌عنوان سواحل مربوط در نظر می‌گیرد (نگاه کنید به نقشه شماره ۴). [طول] ساحل جزیره مارها آن‌قدر کوتاه است که هیچ تفاوت بارزی برای طول کلی سواحل مربوط طرفین ایجاد نمی‌کند. دیوان متعاقباً مورد بررسی قرار خواهد داد که آیا جزیره مارها برای انتخاب نقاط مبدأ مناسب است یا نه. طول ساحل مربوط اوکراین تقریباً ۷۰۵ کیلومتر است.

1. Zaliznyy Port
2. Replaces



نقشه ترسیمی شماره ۲. سواحل مرتبط و ناحیه تحدید حدود طبق ادعای رومانی



نقشه ترسیمی شماره ۳. سواحل مرتبط و ناحیه تحدید حدود طبق ادعای اوکراین



نقشه ترسیمی شماره ۴. سواحل مرتبط مشخص شده توسط دیوان

۵- ناحیه دریایی مربوط^۱

دیوان اظهار می‌دارد که مفهوم حقوقی «ناحیه مربوط»^۲ باید به عنوان بخشی از روش‌شناسی^۳ تحدید حدود دریایی مورد توجه قرار گیرد. در اولین مرحله، تحدید حدود منوط به شکل سواحل مربوط در چارچوب جغرافیای عمومی و شیوه‌های ترکیب تابش‌ها به سمت دریا است؛ ناحیه مربوط ممکن است فضاهای دریایی خاصی را در برگیرد و سایر فضاها را که مربوط به موضوع در دست بررسی نیست، مستثنی نماید. دومین مرحله [که بایستی در تحدید حدود مورد توجه قرار گیرد]، ناحیه مربوطه‌ای است که برای بررسی موضوع عدم تناسب، مناسب باشد. این امر باید به عنوان مرحله نهایی مورد عمل قرار گیرد. هدف تحدید حدود نه تخصیص سهم یکسانی از ناحیه و نه به‌واقع تقسیم سهم متناسب

1. *Maritime Delimitation in the Black Sea*, op. cit., pp. 98-100, paras. 106-114

2. Relevant area.

3. Methodology

است. معیار عدم تناسب به خودی خود شیوه‌ای برای تحدید حدود نیست؛ این معیار بیشتر مربوط به بررسی این موضوع است که آیا خط تحدید حدودی که بدین شیوه ترسیم شده، نیازمند استفاده از شیوه دیگری برای ترسیم است یا نه. دلیل این امر آن است که عدم تناسب مهمی وجود دارد در نسبت‌هایی که بین نواحی دریایی که در ناحیه طرف دیگر به دلیل ویژگی خط تحدید حدود و طول سواحل مربوط آن‌ها به دست می‌آید.

سپس، دیوان اظهار می‌دارد که هدف از اعمال نهایی در فرآیند تحدید حدود، محاسبه ناحیه مربوط است که این نمی‌تواند دقیق باشد بلکه تقریبی است. هدف از تحدید حدود، نیل به تحدید حدودی است که منصفانه باشد و نه تقسیم برابر نواحی دریایی.^۱

دیوان یادآور می‌شود که تحدید حدود در محدوده دریای بسته سیاه با رومانی صورت می‌گیرد که هم در مجاورت^۲ و هم در مقابل^۳ اوکراین قرار دارد و همچنین، مقابل بلغارستان و ترکیه در جنوب واقع شده‌اند. ناحیه دریایی مربوط پیش گفته در هر ناحیه‌ای که ممکن است منافع طرف ثالث را تحت تأثیر قرار دهد، در قسمت شمال قرار می‌گیرد. در خصوص ناحیه‌ای در شمال که به عنوان ناحیه مربوط مورد اختلاف طرفین است، همان‌طور که دیوان پیش‌تر توضیح داده، نظرش این است که بخشی از ساحل اوکراین در شمال خط عبوری که از نقطه S تا دماغه تارخانکوت قرار گرفته است، ساحل مربوط برای اعمال تحدید حدود خواهد بود. این ساحلی است که تحدید حدود باید در آن صورت گیرد. از این رو، ناحیه‌ای که دقیقاً در جنوب این ساحل قرار دارد، در محدوده ناحیه مورد تحدید حدود واقع است، به استثنای خلیج کارکینیتسکا در دهانه‌ای که دیوان خطی را ترسیم کرده است.

سپس دیوان به محدوده جنوبی ناحیه مربوط بازمی‌گردد. طرفین راجع به اینکه آیا سه گوشه‌های (مثلث^۴) جنوب غربی و جنوب شرقی باید در ناحیه مربوط قرار گیرد یا نه، نظریات متفاوتی دارند (نگاه کنید به نقشه ترسیمی شماره‌های ۲ و ۳). دیوان متذکر می‌شود که در هر دو این سه گوشه‌ها (مثلث)، حقوق (حق‌ها) دریایی رومانی و اوکراین هم‌پوشانی دارند. به علاوه، دیوان آگاه است که در سه گوشه (مثلث) جنوب شرقی، همانند ناحیه کوچکی در گوشه غربی سه گوشه (مثلث) جنوب شرقی، حقوق دولت‌های ثالث ممکن است تحت تأثیر قرار گیرد. با این حال، در مواقعی که نواحی منحصراً به منظور شناسایی تقریبی حقوق متداخل (هم‌پوشان) طرفین قضیه مطرح باشد، ممکن است به نظر رسد که ناحیه مربوط را تشکیل دهد (و ناحیه‌ای که در جهت مقتضی، نقش نهایی را در معیار عدم تناسب ایفا می‌نماید). حقوق دولت‌ها تا جایی مطرح می‌شود که تحدید حدود میان رومانی و اوکراین آن [حقوق] را تحت تأثیر قرار داده باشد. در پرتو چنین ملاحظات و بدون پیش‌داوری در مورد موقعیت دولت ثالث راجع به حقوقش در این ناحیه، دیوان درمی‌یابد که در اوضاع و احوال این قضیه، مناسب است گوشه‌های (مثلث) جنوب شرقی و جنوب غربی را در محاسبه ناحیه مربوط در نظر گیرد.

۶- روش‌شناسی تحدید حدود^۵

هنگامی که درخواست می‌شود تا مناطق فلات قاره یا مناطق انحصاری اقتصادی تحدید حدود شوند یا یک خط تحدید حدود واحد ترسیم شود، دیوان کار خود را طی مراحل معینی به پیش می‌برد. این مراحل جداگانه در قضیه مربوط به فلات قاره^۶ که به تفصیل بیان شده و طی دهه‌های اخیر با دقت مورد توجه قرار گرفته است. اول، دیوان یک خط تحدید

1. *North Sea Continental Shelf*, Federal Republic of Germany/Denmark; Federal Republic of (Germany/Netherlands), *op. cit.*, p. 22, para. 18; *Maritime Delimitation in the Area between Greenland and Jan Mayen*, (Denmark v. Norway), Judgment, I.C.J. Reports 1993, p. 67, para. 64

2. Adjacent

3. Opposite

4. Triangles

5. *Maritime Delimitation in the Black Sea*, *op. cit.*, pp. 101-103, paras. 115-122

6. *Continental Shelf*, (Libyan Arab Jamahiriya/Malta), Judgment, I.C.J. Reports 1985, p. 46, para. 60

حدود اولیه^۱ را با استفاده از روش‌های هندسی و مناسب برای جغرافیای ناحیه مورد تحدید حدود ترسیم می‌کند؛ تا جایی که به تحدید حدود بین سواحل مجاور مربوط می‌شود، خط هم‌فاصله ترسیم خواهد شد، مگر آنکه دلایل قانع‌کننده‌ای وجود داشته باشد دایر بر اینکه در قضیه‌ای خاص، اعمال آن روش ناممکن بنماید.^۲ خط تحدید حدود اولیه تا جایی که به سواحل متقابل مربوط می‌شود، شامل خط میانه بین دو ساحل خواهد بود. هیچ پیامد حقوقی از کاربرد اصطلاحات «خط میانه» و «خط هم‌فاصله» حاصل نخواهد شد، چرا که روش تحدید حدود برای هر دو منطقه [سواحل مجاور و متقابل] یکی است.

خطوط هم‌فاصله و میانه از مناسب‌ترین نقاط سواحل دو کشور مربوط بایستی ترسیم شوند؛ در استفاده از این روش‌ها باید به نقاط برجسته^۳ ساحلی که در نزدیک‌ترین ناحیه مورد تحدید حدود واقع شده‌اند، توجه ویژه‌ای نمود. دیوان در نظر می‌گیرد در هر جا که گستره [ناحیه مورد تحدید حدود] ممکن است باعث روی گرداندن دیوان از نقاط مبدأ دریای سرزمینی انتخاب‌شده طرفین شود، نیاز به ترسیم خط واحد تحدید حدود وجود دارد. هنگامی که ترسیم یک خط هم‌فاصله اولیه^۴ میان دولت‌های مجاور خواسته شده است، دیوان ملاحظات مربوط به خطوط ساحلی طرفین را باید به خاطر داشته باشد که نقاط مبدأ بدین منظور انتخاب شده‌اند. خطی که این چنین مورد توافق واقع شده است، به شدت به جغرافیای طبیعی و بیشترین نقاط رو به دریای دو ساحل بستگی دارد.

با عنایت به رویه‌های قضایی [اختلافات] حل و فصل شده در دیوان در خصوص تحدید حدود دریایی، اولین مرحله از رهیافت دیوان، ترسیم خط هم‌فاصله اولیه است. در این مرحله آغازین ترسیم خط هم‌فاصله اولیه، دیوان تاکنون با هیچ کیفیات (اوضاع و احوال) مؤثری^۵ که امکان ایجاد آن وجود داشته باشد، برخورد نکرده و خط [هم‌فاصله اولیه] پیش‌گفته دقیقاً بر اساس معیار زمین‌شناختی و داده‌های عینی طراحی شده است. در قضیه حاضر، دیوان با ترسیم خط هم‌فاصله اولیه میان سواحل مجاور رومانی و اوکراین، کار خود را آغاز می‌کند و آنگاه با اعمال خط میانه بین سواحل مقابل ادامه می‌دهد. مسیر خط نهایی باید نتیجه یک راه‌حل منصفانه باشد (مواد ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون حقوق دریاهای)؛ بنابراین، دیوان در مرحله بعدی، یعنی مرحله دوم، بایستی در نظر گیرد که آیا عواملی وجود دارند که موجبات تعدیل^۶ یا جابه‌جایی^۷ خط هم‌فاصله اولیه را به منظور رسیدن به نتیجه‌ای منصفانه فراهم نمایند؟^۸ در ضمن، دیوان به وضوح بیان می‌دارد که اگر خط ترسیم‌شده، مناطقی از صلاحیت‌های متقارن را تحت پوشش قرار دهد، «روش اصول منصفانه یا کیفیات مؤثر که می‌تواند مفید باشد، باید اعمال گردد، به گونه‌ای که در این مناطق دریایی می‌تواند برای رسیدن به نتیجه، منصفانه باشد».^۹ این بخش دوم اعمال تحدید حدود است که دیوان بدان توجه خواهد کرد؛ اولین بخش تحدید حدود از طریق ترسیم خط هم‌فاصله اولیه ایجاد شده است.

در نهایت و در مرحله سوم، دیوان بررسی خواهد کرد که این خط (یک خط هم‌فاصله اولیه که ممکن است با کیفیات مؤثر تعدیل شده یا نشده باشد)، به همان نحو که واقع شده (ترسیم‌شده)، به دلیل هر گونه عدم تناسب مشخصی بین نسبت طول سواحل و ناحیه دریایی مربوط هر کشور با مراجعه به خط تحدید حدود، به نتیجه‌ای غیرمنصفانه‌ای

1. Provisional Delimitation Line

2. See: *Territorial and Maritime Dispute between Nicaragua and Honduras in the Caribbean Sea*, op. cit., p. 745, para. 281

3. Protuberant

4. Provisional Equidistance Line

5. Relevant Circumstances

6. Adjustment

7. Shifting

8. *Land and Maritime Boundary between Cameroon and Nigeria*, (Cameroon v. Nigeria: Equatorial Guinea intervening), Judgment, I.C.J. Reports 2002, p. 441, para. 288

9. *Territorial and Maritime Dispute between Nicaragua and Honduras in the Caribbean Sea*, op. cit., p. 741, para. 271

منجر نگردد. بررسی نهایی برای رسیدن به نتیجه‌ای منصفانه، مستلزم تأییدی است دایر بر اینکه در نواحی دریایی در مقایسه با نسبت طول سواحل، به‌طور آشکار هیچ‌گونه عدم تناسب زیادی وجود ندارد. این مطلب اظهار نشده که این نواحی [دریایی] مربوط بایستی با طول سواحل متناسب باشد، آن‌گونه که دیوان بیان می‌دارد: «تقسیم ناحیه [دریایی] نتیجه تحدید حدود است و نه برعکس».^۱



نقشه ترسیمی شماره ۵. ناحیه محدود حدود مشخص شده توسط دیوان

1. *Maritime Delimitation in the Area between Greenland and Jan Mayen*, op. cit., p. 67, para. 64

۷- ترسیم خط هم‌فاصله اولیه^۱

۷-۱- انتخاب نقاط مبدأ^۲

در این مرحله از انجام تحدید حدود، دیوان نقاط مناسب در ساحل یا سواحل مربوط طرفین را با اعمال تغییر مهم در جهت (به سمت) ساحل علامت‌گذاری می‌کند؛ به گونه‌ای که شکل جغرافیایی ایجاد شده، حاصل خطی است که از اتصال تمامی این نقاط به وجود آمده و منعکس‌کننده جهت کلی خطوط ساحلی باشد؛ بنابراین، این نقاط که روی سواحل هر یک از دو طرف انتخاب شده، بر خط هم‌فاصله اولیه‌ای که با توجه به مقتضیات جغرافیایی ترسیم شده، تأثیرگذار هستند.

دیوان معتقد است که در این مرحله از رسیدگی، جغرافیا [ی ناحیه] حاکی از قابلیت سواحل برای ادعای حقوق هم‌پوشان، دلالت بر وجود دو ناحیه دارد: در مورد اول، سواحل در مجاورت یکدیگر قرار دارند؛ در مورد دیگر، [سواحل] در مقابل یکدیگر واقع شده‌اند. در عمل، اولین نتیجه این است که دیوان بدین منظور خطی را در ساحل رومانی ترسیم کند که نقاط مبدأ مهم، خط هم‌فاصله و خط میانه باشد و باید مانند هم ترسیم شوند؛ زیرا این سواحل هم مجاور و هم مقابل ساحل اوکراین واقع شده‌اند. نتیجه دوم آنکه، چون ساحل اوکراین از دو بخش تشکیل می‌شود - یک بخش در مجاورت ساحل رومانی و بخش دیگر در مقابل آن - خطوط مبدأیی که در نظر گرفته می‌شود، بایستی جداگانه مشخص شوند؛ براین اساس که آیا بخش مجاور یا متقابل، مرتبط با هر یک از خطوط مبدأ مخصوص به خود هستند یا نه. نتیجه سوم، شناسایی نقطه چرخش^۳ در خط هم‌فاصله که اثرات مجاورت، آن‌ها را از سواحل تا لبه مقابل عقب می‌راند و به تغییر در جهت خط [مبدأ] منجر می‌شود. سرانجام آنکه دیوان نیاز خواهد داشت تا ارتباط جزیره مارها را بر اساس انتخاب خطوط مبدأ مورد ملاحظه قرار دهد.

دیوان ابتدا شبه‌جزیره ساکالین در مرز ساحل رومانی با مجارستان را مورد توجه قرار می‌دهد. این مکانی است که در جهت امتداد ساحل رومانی از مرز میان رومانی و بلغارستان و تقریباً به صورت عمودی به سمت شمال پیش می‌رود. در این مکان، سواحل رومانی و اوکراین در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند. اهمیت شبه‌جزیره ساکالین در انتخاب نقاط مبدأ مورد چالش اوکراین بوده است که از آن نقطه به عنوان شمشر ماسه‌ای^۴ توصیف می‌شود. با این حال، دیوان معتقد است که شبه‌جزیره، متعلق به منطقه وسیعی از زمین است و بخشی از سرزمین رومانی را تشکیل می‌دهد: آن‌ها به هنگام مد آشکار می‌شوند و مورد اعتراض نیز نبوده است. ویژگی‌های جغرافیایی شبه‌جزیره و احتمالاً ماهیت ماسه‌ای آن‌ها هیچ تردیدی در مورد عناصر جغرافیایی طبیعی آن‌ها که مرتبط با تحدید حدود دریایی باشند، به جا نمی‌گذارد. به این دلایل، دیوان مورد توجه قرار می‌دهد که به نظر برای ترسیم خط هم‌فاصله اولیه، مناسب است از یک نقطه مبدأ در شبه‌جزیره ساکالین استفاده کند (با مختصات ۴۴ درجه و ۵۰ ثانیه و ۲۸ دقیقه شمالی و ۲۹ درجه و ۳۶ ثانیه و ۵۲ دقیقه شرقی) که اتفاقاً این مختصات مطابق با نقطه‌ای است که رومانی به عنوان نقطه مبدأ طبق ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق دریاها به سازمان ملل متحد اعلام کرده است.

سپس، دیوان بررسی می‌کند که آیا هر نقطه در ساحل خلیج موسورا^۵ در رومانی ممکن است به عنوان نقطه مبدأ مدنظر قرا گیرد یا نه. دماغه جنوبی خلیج، مناسب‌ترین نقطه ساحلی رومانی در جهت کریمه و نیز در ناحیه‌ای واقع شده که سواحل دو کشور مجاور هم هستند. این دو ویژگی موجب می‌شود تا بتوان آن را به منظور ترسیم خط هم‌فاصله اولیه انتخاب نمود. با این حال، به دلیل قرار گرفتن دماغه جنوبی در ۷/۵ کیلومتری طول سد در سمت خارجی دریا که

1. *Maritime Delimitation in the Black Sea*, op. cit., pp. 103-112, paras. 123-154

2. Ibid, pp. 103-110, paras. 123-149

3. Turning-Point

4. Spit of Sand

5. Musura Bay

با این ویژگی امتداد می‌یابد، ایجاب می‌کند تا منتهی‌الیه سد پیش‌گفته تا جایی که به سرزمین اصلی می‌پیوندد، انتخاب گردد. در این رابطه، دیوان بررسی می‌کند که ماهیت جغرافیایی اولین مرحله انجام تحدید حدود منجر به استفاده از نقاط مبدائی می‌شود که با جغرافیای ساحلی به عنوان واقعیت طبیعی در زمان تحدید حدود هم‌خوانی دارد. این واقعیت جغرافیایی نه تنها عناصر فیزیکی ایجادشده توسط تحرکات طبیعی^۱ و جریانات دریایی^۲ را شامل می‌شود بلکه سایر عوامل ماهوی که در این قضیه وجود دارند را نیز در بر می‌گیرد.

در پرتو این واقعیت که عرض منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره از خطوط مبدائی اندازه‌گیری می‌شوند که [عرض] دریای سرزمینی اندازه‌گیری می‌شود (مواد ۵۷ و ۷۶ کنوانسیون حقوق دریاها)؛ دیوان در ابتدا باید بررسی نماید که آیا سد سولینا^۳ می‌تواند به عنوان «تأسیسات دائمی بندری و جزء لاینفک (جداناشدنی) مجموعه بندری محسوب گردد یا نه»، آن هم در چارچوب معنای ماده ۱۱ کنوانسیون حقوق دریاها به شرح زیر:

«به منظور تحدید حدود دریای سرزمینی، دورترین تأسیسات دائمی بندری که جزء لاینفک (جداناشدنی) مجموعه بندری محسوب می‌گردند، بخشی از ساحل به شمار می‌آید. تأسیسات واقع در دریا^۴ و جزایر مصنوعی^۵، جزء تأسیسات دائمی بندری محسوب نمی‌شوند».

با توجه به آنکه ماهیت دائمی سد سولینا مورد چالش قرار نگرفته است، دیوان به این موضوع می‌پردازد که آیا این ساختار می‌تواند به عنوان «تأسیسات بندری»^۶ که جزء لاینفک مجموعه بندری هستند، توصیف شود. اصطلاح «تأسیسات»^۷ ترکیبی از دستگاه‌ها (ماشین‌آلات)، بناها و تسهیلاتی است که با هدف خاصی، نصب و احداث شده‌اند. اصطلاح «تأسیسات بندری» که جزء لاینفک مجموعه بندری می‌باشند، در کنوانسیون ژنو راجع به دریای سرزمینی و منطقه مجاور [مورخ ۱۹۵۸] یا در کنوانسیون حقوق دریاها [مورخ ۱۹۸۲] تعریف نشده‌اند؛ این کنوانسیون‌ها از تأسیسات، عموماً به معنایی اشاره دارند که به موجب آن‌ها، کشتی‌ها مجاز به پهلو گرفتن، نگهداری یا تعمیرات می‌باشند یا سوار و پیاده کردن مسافران کشتی و بارگیری و تخلیه کالاها را از کشتی اجازه می‌دهند یا تسهیل می‌کنند.

دیوان با این حال متذکر می‌شود که کارکردهای یک سد، متفاوت از یک بندر است. در این قضیه، سد سولینا می‌تواند در حمایت از کشتیرانی به مقصد دهانه دانوب و برای بندرهایی که در آنجا واقع شده‌اند، مورد استفاده قرار گیرند. تفاوت میان یک بندر و یک سد که به سمت دریا امتداد می‌یابد، به گونه‌ای است که در گذشته در کارهای مقدماتی ماده ۸ کنوانسیون ژنو راجع به دریای سرزمینی و منطقه مجاور مطرح شده است. در سال ۱۹۵۴، گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل اظهار داشت که «سدهایی که برای حمایت از ساحل از آن‌ها استفاده می‌شود، مسئله جداگانه‌ای را به وجود آورده‌اند، به گونه‌ای که نه تحت ماده ۹ (بنادر) و نه تحت ماده ۱۰ (لنگرگاه‌ها)^۸ قرار می‌گیرند». متعاقباً دیگر از مفهوم «سد» استفاده نمی‌شد و به «باراندازها»^۹ اشاره می‌شد که در جهت حمایت از سواحل در مقابل دریا به کار برده شده بودند. اولین جمله از ماده ۱۱ کنوانسیون حقوق دریاها، منصرف از تغییر جزئی در عبارت پردازی، مشابه ماده ۸ کنوانسیون دریای سرزمینی و منطقه مجاور است. جمله دوم که مقرر می‌دارد: «تأسیسات بندری دائمی» شامل «تأسیسات بندری، از جمله باراندازها [آن گونه که بدان پرداخته شد] به عنوان بخشی از ... قلمرو خشکی قلمداد

1. Geodynamic
2. The movements of the sea
3. Sulina Dyke
4. Off-shore Installations
5. Artificial islands
6. Harbour works
7. Works
8. Roadsteads
9. Jetties

می‌شوند»، موضوع جدیدی است. با این حال باید یادآور شد که کمیسیون حقوق بین‌الملل در گزارش خود به مجمع عمومی، تفسیر (توضیح)^۱ زیر را ارائه کرده است:

«(۳) درجایی که چنین ساختارهایی در طول گسترده‌ای قرار گرفته‌اند (برای نمونه، باراندازی که در چندین کیلومتری به سمت دریا امتداد دارد)، ممکن است سؤال شود که آیا این ماده [م. ۸] کماکان قابلیت اعمال دارد... درحالی که چنین مواردی بسیار نادر هستند، کمیسیون ضمن تمایل به توجه به موضوع، لازم نمی‌بیند تا نظرش را [در این خصوص] ابراز نماید».^۲

در پرتو ملاحظات پیش‌گفته، کمیسیون حقوق بین‌الملل در آن زمان قصد نداشته تا صریحاً محدوده فراتر از سد، بارانداز یا تأسیساتی که «جزء لاینفک (جدانشدنی) مجموعه بندری» را تشکیل نمی‌دهند، مشخص کند. دیوان نتیجه می‌گیرد که دلایل چندی برای رسیدگی وجود دارد که مبنای آن در هر قضیه‌ای متفاوت از قضیه دیگر است؛ به نظر دیوان، متن ماده ۱۱ کنوانسیون حقوق دریاهای و کارهای مقدماتی^۳، مانعی در قابلیت امکان تفسیر مضیق مفهوم تأسیسات بندری نخواهد بود؛ به گونه‌ای که منجر به اجتناب یا کاهش مسئله طول گسترده‌ای شود که توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل تعریف و تعیین شده است. این مسئله ممکن است به‌ویژه در موردی حقیقت داشته باشد — مشابه قضیه حاضر — که مشابه تحدید حدود به سمت دریا از دریای سرزمینی مطرح باشد.

در رابطه با استفاده از سد سولینا به‌عنوان نقطه مبدأ برای تحدید حدود حاضر، دیوان بایستی ارتباط اعلامیه رومانی به سازمان ملل متحد مطابق ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق دریاهای را مورد توجه قرار دهد که بنا بر آن، رومانی منتهی‌الیه سد سولینا به سمت دریا را به‌عنوان نقطه‌ای برای ترسیم خط مبدأ دریای سرزمینی‌اش در نظر گرفته است. این انتخاب نقاط مبدأ مورد اعتراض اوکراین قرار نگرفته است.

ماده ۱۶ مقرر می‌دارد که «خطوط مبدأ برای اندازه‌گیری عرض دریای سرزمینی ... و خطوط تحدید حدود [دریای سرزمینی] بر روی نقشه‌ها نشان داده شود» (بند ۱) و اینکه «کشور ساحلی یک نسخه از چنین نقشه‌ای یا فهرست مختصات را نزد دبیر کل سازمان ملل متحد تودیع خواهد نمود». بدین سبب که ماده ۵۷ (در رابطه با عرض منطقه انحصاری اقتصادی) و بند ۱ ماده ۷۶ (در رابطه با تعریف فلات قاره) کنوانسیون حقوق دریاهای مقرر می‌دارد که این مناطق دریایی می‌توانند تا ۲۰۰ مایل دریایی از خطوط مبدأ «از جایی که عرض دریای سرزمینی اندازه‌گیری می‌شود»، امتداد یابند؛ مسئله‌ای که مطرح می‌شود این است که آیا همان منتهی‌الیه سد سولینا به سمت دریا بایستی کماکان به‌منظور تحدید حدود محفوظ بماند؟

دیوان بر این اعتقاد است که موضوع تحدید حدود خط مبدأ به‌منظور اندازه‌گیری عرض فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی برای ترسیم خط هم‌فاصله/میان به‌منظور تحدید حدود فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی میان کشورهای مجاور یا مقابل، دو موضوع متفاوت است. در مورد اول، کشور ساحلی در مطابقت با مقررات کنوانسیون حقوق دریاهای (مواد ۷، ۹، ۱۰، ۱۲ و ۱۵) ممکن است نقاط مبدأ مربوط را تعیین کند. با وجود این، این عمل همواره جنبه بین‌المللی دارد.^۴ در مورد دوم، تحدید حدود نواحی دریایی دو یا چند کشور را شامل می‌شود. دیوان نباید شیوه خود را منحصرراً دایر بر نقاط مبدأیی کند که توسط یک یا هر دو طرف انتخاب شده است. دیوان به هنگام تحدید حدود فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی، بایستی با رجوع به جغرافیای طبیعی سواحل مربوط، نقاط مبدأیی را انتخاب کند.

1. Comment

2. ILC Yearbook, Vol. II, 1956, p. 270

3. travaux préparatoires

4. See: Fisheries, (United Kingdom v. Norway), Judgment, I.C.J. Reports 1951, p. 132

دیوان خاطرنشان می‌سازد که با توجه به ویژگی‌های خاص منتهی‌الیه سمت دریایی سد سولینا به‌عنوان نقطه مبدأ مربوط برای ترسیم خط هم‌فاصله اولیه، صرف‌نظر از طول آن، هیچ ادله قانع‌کننده‌ای وجود ندارد که این سد با هر هدف مستقیم در فعالیت‌های بندری به کار گرفته شده باشد. به این دلایل، دیوان قانع نمی‌شود که منتهی‌الیه سمت دریایی سد سولینا نقطه مناسبی برای هدف‌های ترسیم خط هم‌فاصله اولیه به‌منظور تحدید حدود فلات قاره و مناطق انحصاری اقتصادی باشد. از سوی دیگر، درحالی که منتهی‌الیه سمت خشکی سد نمی‌تواند به‌عنوان بخش لاینفک (جدانشدنی) سرزمین اصلی رومانی باشد بلکه آن نقطه، نقطه ثابتی قلمداد می‌شود. زمین در این نقطه، در قبال تغییرات خط ساحلی که به‌واسطه فرآیندهای دریایی^۱ ایجاد می‌شوند، محافظت می‌شود. در اولین مرحله از تحدید حدود در تعیین نقطه مبدأ مناسب، برخلاف منتهی‌الیه سمت دریایی سد، امتیاز در آن است که اهمیت بیشتری به تأسیسات نسبت به جغرافیای طبیعی زمین داده نشود. به این دلایل، دیوان بر این عقیده است که منتهی‌الیه سمت خشکی سد سولینا، جایی که با سرزمین اصلی رومانی پیوند می‌خورد، باید برای ترسیم خط هم‌فاصله اولیه از یک نقطه مبدأ استفاده شود؛ بنابراین، دیوان نتیجه می‌گیرد که شبه‌جزیره ساکالین (۴۴ درجه و ۵۰ دقیقه و ۲۸ ثانیه شمالی و ۲۹ درجه و ۳۶ دقیقه و ۵۲ ثانیه شرقی) و منتهی‌الیه سمت خشکی سد سولینا (با ۴۵ درجه و ۹ دقیقه و ۵۱/۹ ثانیه شمالی و ۲۹ درجه و ۴۳ دقیقه و ۱۴/۵ ثانیه شرقی) به‌عنوان نقاط مبدأ ساحل رومانی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

سپس، دیوان به شناسایی و تعیین نقاط مبدأ مرتبط ساحل اوکراین می‌پردازد و انجام چنین کاری را با قسمت سواحل مجاور آغاز می‌کند. دیوان چنین می‌پندارد که در اولین بخش، مناسب خواهد بود تا از رأس جنوب شرقی جزیره تسیگانکا^۲ که در طرف اوکراین و در نقطه مقابل منتهی‌الیه سمت خشکی سد سولینا در طرف رومانی قرار دارد، استفاده کند. انتخاب این مکان حائز اهمیت است؛ چراکه در این ناحیه از مجاورت، مناسب‌ترین نقطه در ساحل اوکراین است. در این بخش از سواحل مجاور، دیوان نیاز دارد تا ارتباط نقطه مبدأ اوکراین را که در جزیره کوبانسکی^۳ قرار گرفته، به‌عنوان نقطه مبدأ برای استفاده در ترسیم خط هم‌فاصله اولیه مورد توجه قرار دهد. دیوان متذکر می‌شود که این نقطه مبدأ، هیچ اثری در خط هم‌فاصله ترسیم‌شده ایجاد نمی‌کند، [البته] با ارجاع به نقطه مبدأ در جزیره تسیگانکا در ساحل اوکراین و نیز خط مبدأ در منتهی‌الیه سمت خشکی سد سولینا در ساحل رومانی؛ بنابراین، این نقطه مبدأ باید صرف‌نظر از اهداف تحدید حدود حاضر مورد توجه قرار گیرد.

سپس، دیوان خطوط مبدأ را در بخش ساحل اوکراین که در مقابل ساحل رومانی قرار دارد، بررسی می‌کند. دیوان تحدید حدود را با دماغه تارخانکوت آغاز خواهد کرد؛ نقطه رو به دریا که بیشترین رودرویی ساحل رومانی را با ساحل کریمه دارد. خط ساحلی کریمه در اینجا پیشرفتگی‌های قابل ملاحظه‌ای دارد و شکل آن موجب می‌گردد که این دماغه، انتخاب مناسبی به‌عنوان نقطه مبدأ مرتبط باشد. دماغه خرسونس^۴ نقطه دیگری در ساحل کریمه است که در آنجا، خشکی به سمت دریا جلو آمده است و نیز پیشرفتگی‌های قابل ملاحظه‌ای دارد، اگرچه کمتر از دماغه تارخانکوت است. این وضعیت (پیکربندی) کافی است تا انتخاب دماغه خرسونس به‌عنوان خط مبدأ مرتبط را توجیه کند؛ بنابراین، دیوان نتیجه می‌گیرد که او از جزیره تسیگانکا (با مختصات ۴۵ درجه و ۱۳ دقیقه و ۲۳/۱ ثانیه شمالی و ۲۹ درجه و ۴۵ دقیقه و ۳۳/۱ ثانیه شرقی) و از دماغه تارخانکوت (با مختصات ۴۵ درجه و ۲۰ دقیقه و ۵۰ ثانیه شمالی و ۳۲ درجه و ۲۹ دقیقه و ۴۳ ثانیه شرقی) و دماغه ترونس^۵ (با مختصات ۴۴ درجه و ۳۵ دقیقه و ۴ ثانیه شمالی و ۳۳ درجه و ۲۲ دقیقه و ۴۸ ثانیه شرقی) به‌عنوان نقاط مبدأ ساحل اوکراین استفاده خواهد کرد.

1. Marine processes
2. Tsyganka Island
3. Kubansky
4. Cape Khersones
5. Thrones

در تعیین خط هم‌فاصله اولیه، بایستی توجه خاصی به جزیره مارها مبذول داشت. در رابطه با انتخاب نقاط مبدأ، دیوان بیان می‌دارد «مواردی وجود داشته که جزایر ساحلی قسمتی از ساحل یک دولت محسوب شده است، مخصوصاً هنگامی که ساحل متشکل از گروهی از جزایر حاشیه‌ای باشد»؛ بنابراین، در یکی از داوری‌های مربوط به تحدید حدود دریایی، یک مرجع بین‌المللی، نقاط مبدأ را به نحوی در امتداد خط آبی جزر برای تعدادی از جزایر حاشیه‌ای ترسیم نموده است؛ جزایری که قسمتی از خط ساحلی یکی از طرفین را تشکیل می‌داد.^۱ با این حال، جزیره مارها که به تنهایی و در حدود ۲۰ مایل دریایی دورتر از سرزمین اصلی قرار گرفته، جزء دسته‌ای از جزایر حاشیه‌ای نیست که «ساحل اوکراین» را تشکیل می‌دهند. برای اینکه جزیره مارها به عنوان قسمت مرتبط ساحلی در نظر گرفته شود، بایستی با یک عامل خارجی در خط ساحلی اوکراین پیوند خورد؛ پیامد آن، دست‌کاری قضایی [عوامل] جغرافیایی^۲ خواهد بود که نه در حقوق و نه در رویه تحدید حدود دریایی مجاز شمرده شده است. از این رو، دیوان بر این عقیده است که جزیره مارها نمی‌تواند قسمتی از شکل ساحلی اوکراین را تشکیل دهد (مقایسه شود با جزیره فیلا^۳ در قضیه مربوط به فلات قاره)^۴. به این دلیل، دیوان مورد ملاحظه قرار می‌دهد که انتخاب هر نقطه مبدأ برای جزیره مارها به منظور ترسیم خط هم‌فاصله اولیه میان سواحل رومانی و اوکراین نامناسب است.

۷-۲- ترسیم خط هم‌فاصله اولیه^۵

دیوان بار دیگر یادآور می‌شود که نقاط مبدأیی که بایستی در ترسیم خط هم‌فاصله اولیه مورد استفاده قرار گیرند، نقاطی هستند که در شبه‌جزیره ساکالین و منتهی‌الیه ساحل رومانی و جزیره تسیگانکا، دماغه تارخانکوت و دماغه خرسونس در ساحل اوکراین واقع شده‌اند. خط هم‌فاصله اولیه میان رومانی و اوکراین در قسمت ابتدایی با نقاط مبدأیی که در منتهی‌الیه سد سولینا در ساحل رومانی و رأس جنوب شرقی جزیره تسیگانکا در ساحل اوکراین قرار گرفته‌اند، کنترل می‌شوند. این خط در جهت جنوب شرقی از نقطه‌ای که در میانه این دو نقطه مبدأ واقع شده، ادامه می‌یابد تا به نقطه A (با مختصات ۴۴ درجه و ۴۶ دقیقه و ۳۸/۷ ثانیه شمالی و ۳۰ درجه و ۵۸ دقیقه و ۳۷/۳ ثانیه شرقی) برسد؛ جایی که این نقطه متأثر از نقطه مبدأیی می‌گردد که در شبه‌جزیره سولینا در ساحل رومانی واقع شده است. در نقطه A، خط هم‌فاصله اندکی تغییر جهت داده و به سمت نقطه B امتداد می‌یابد (با مختصات ۴۴ درجه و ۴۴ دقیقه و ۱۳/۴ ثانیه شمالی و ۳۱ درجه و ۱۰ دقیقه و ۲۷/۷ ثانیه شرقی)؛ جایی که از نقطه مبدأ واقع شده در دماغه تارخانکوت در سواحل مقابل اوکراین متأثر می‌گردد. در نقطه B، خط هم‌فاصله به سمت جنوب و جنوب شرقی تغییر جهت می‌دهد و به سمت نقطه C (با مختصات ۴۴ درجه و ۲ دقیقه و ۵۳ ثانیه شمالی و ۳۱ درجه و ۲۴ دقیقه و ۳۵ ثانیه شرقی) امتداد می‌یابد؛ با ارجاع به نقاط مبدأ در شبه‌جزیره ساکالین در ساحل رومانی و دماغه‌های تارخانکوت و خرسونس در ساحل اوکراین محاسبه شده است. از نقطه C، خط هم‌فاصله در زاویه افقی با مختصات ۱۸۵ درجه و ۲۳ دقیقه و ۵۴/۵ ثانیه شروع می‌شود و به سمت جنوب تغییر جهت می‌دهد. این خط حاکم بر نقاط مبدأ در شبه‌جزیره ساکالین در ساحل رومانی است و دماغه خرسونس در ساحل اوکراین قرار می‌گیرد (برای ترسیم خط هم‌فاصله نگاه کنید به نقشه‌های ترسیمی شماره‌های ۶ و ۷).

1. *Maritime Delimitation, (Eritrea/Yemen) Award of the Arbitral Tribunal in the Second Stage of the Proceedings*, RIAA, Vol. XXII, 17 December 1999, pp. 367-368, paras. 139-146
 2. *Judicial Refashioning geography*
 3. *Filfla*
 4. *Continental Shelf, (Libyan Arab Jamahiriya/Malta)*, 1985, *op. cit.*, p. 13
 5. *Maritime Delimitation in the Black Sea, op. cit.*, pp. 110-112, paras. 150-154

۸- کیفیات مؤثر^۱

همان‌گونه که دیوان اشاره می‌کند، خط هم‌فاصله اولیه که سابقاً ترسیم شده است، باید بررسی شود که آیا عواملی وجود دارند که تعدیل یا جابه‌جایی آن خط را به‌منظور رسیدن به «نتیجه منصفانه» موجب گردد.^۲ چنین عواملی معمولاً به رویه قضایی دیوان، به‌عنوان مثال، در قضایای فلات قاره دریای شمال (جمهوری فدرال آلمان علیه دانمارک؛ جمهوری فدرال آلمان علیه هلند)،^۳ به‌عنوان کیفیات مؤثر ارجاع داده می‌شوند. کارکرد آن [قضایا] تأیید می‌کنند که خط هم‌فاصله اولیه که با استفاده از شیوه زمین‌شناختی^۴ از نقاط مبدأ تعیین شده در سواحل طرفین ترسیم می‌شود، در پرتو اوضاع و احوال خاص قضیه به‌عنوان یک راه‌حل غیر منصفانه ملاحظه نشده است. اگر قضیه‌ای این چنین باشد، دیوان باید خط را به‌منظور رسیدن «به راه‌حل منصفانه» آن‌گونه که در بندهای ۱ مواد ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون حقوق دریاها مقرر شده است، تعدیل نماید.

طرفین چندین عامل را به‌عنوان کیفیات مؤثر قضیه پیشنهاد نموده و به بحث گذاشته‌اند. رومانی استدلال می‌کند که خط هم‌فاصله اولیه به نتیجه منصفانه منتهی می‌گردد و از این‌رو نیازی به تعدیل آن خط نیست. از سوی دیگر، اوکراین اظهار می‌دارد که کیفیات مؤثری وجود دارد که تعدیل خط هم‌فاصله اولیه را موجب می‌گردد و آن، «جابه‌جایی خط اولیه‌ای است که به ساحل رومانی نزدیک‌تر باشد».

دیوان پیش از بررسی کیفیات مؤثری که از سوی طرفین ارجاع شده، تمایل دارد یادآور شود که خط هم‌فاصله اولیه‌ای که در بخش ۵^۵ ترسیم شده، با خطوط اولیه‌ای که توسط اوکراین یا رومانی ترسیم شده، منطبق نیست؛ بنابراین، این خطی که توسط دیوان و نه اوکراین یا رومانی ترسیم شده، در تجزیه و تحلیل آنچه طرفین به‌عنوان کیفیات مؤثر قضیه تلقی می‌کنند، در کانون توجه دیوان خواهد بود.

۸-۱- عدم تناسب میان طول سواحل^۶

دیوان ملاحظه می‌نماید که طول سواحل مرتبط، نمی‌تواند نقشی در شناسایی خط هم‌فاصله که به‌صورت اولیه ترسیم شده، ایفا کند. تحدید حدود دارای کاربردی است که متفاوت از تقسیم منابع یا نواحی است.^۷ چنین اصل تناسبی، آن‌گونه که مربوط به ترسیم اولیه خط هم‌فاصله اولیه است، وجود ندارد. در مواقعی که تفاوت در طول سواحل به‌ویژه مشخص است، دیوان ممکن است به‌گونه‌ای عمل کند که واقعیت جغرافیایی را به‌عنوان کیفیات مؤثری که ضرورت پاره‌ای از تعدیل‌ها را برای ترسیم خط هم‌فاصله اولیه توجیه می‌کند، ملحوظ دارد.

دیوان در قضیه مربوط به مرز زمینی و دریایی میان کامرون و نیجریه تأیید می‌کند که «اختلاف ماهوی در مورد طول سواحل طرفین، ممکن است عاملی در جهت تعدیل یا جابه‌جایی خط هم‌فاصله اولیه» مورد توجه قرار گیرد (تأکید اضافه شده است).^۸ هرچند دیوان درمی‌یابد که در این اوضاع و احوال، دلیلی برای جابه‌جایی خط هم‌فاصله وجود نداشته است. دیوان در قضیه مربوط به تحدید حدود دریایی در ناحیه میان گرینلند و جان ماین^۹ (دانمارک علیه

1. Ibid, pp. 112-128, paras. 155-204

2. *Land and Maritime Boundary between Cameroon and Nigeria*, op. cit., p. 441, para. 288

3. *North Sea Continental Shelf*, (Federal Republic of Germany/Denmark; Federal Republic of Germany/Netherlands, Judgment, I.C.J. Reports 1969, p. 53, para. 53

4. Geometrical method

5. Establishment of the provisional equidistance line (ترسیم خط هم‌فاصله اولیه)

6. *Maritime Delimitation in the Black Sea*, op. cit., pp. 113-118, paras. 158-168

7. See: *North Sea Continental Shelf*, (Federal Republic of Germany/Denmark; Federal Republic of Germany/Netherlands), op. cit., p. 22, para. 18

8. *Land and Maritime Boundary between Cameroon and Nigeria*, op. cit., p. 446, para. 301

9. Jan Mayen

نروژ) درمی‌یابد که ناهمگونی میان طول سواحل جان ماین و گرینلند (به تناسب ۱ به ۹)، «کیفیات ویژه»^۱ را ایجاد کرده که لازم است خط میانه اولیه تغییر یابد؛ [البته] با جابه‌جایی به نزدیکی ساحل جان ماین؛ [این جابه‌جایی] مانع از به وجود آمدن نتیجه غیرمنصفانه‌ای برای فلات قاره و منطقه ماهیگیری دو طرف می‌شود. دیوان توضیح می‌دهد که: «با وجود این، باید معلوم شود که توجه به نابرابری طول ساحل به معنی اعمال مستقیم و ریاضی (محاسباتی)^۲ ارتباط میان طول لبه ساحلی گرینلند شرقی و جان ماین نیست»^۳.

سپس، دیوان نظرش را در مورد قضیه فلات قاره (جماهیر عربی لیبی علیه مالت) مجدداً یادآور می‌شود: «اگر چنین استفاده‌ای از [اصل] تناسب درست باشد، حقیقتاً مشکل است که دریایم چه خلأیی برای هرگونه ملاحظه‌ای باقی است؛ چراکه این اصل، هم‌زمان عبارت از اصل بهره‌برداری از حقوق فلات قاره و نیز روش اعمال و کاربرد این اصل در عمل است. باین حال، ضعف آن به‌عنوان مبنای استدلال آن است که کاربرد تناسب به‌منزله روشی است که صحتش در رویه دولت‌ها و بیان دیدگاه کلی آن‌ها در سومین کنفرانس ملل متحد در خصوص حقوق دریاها یا در رویه قضایی^۴ مورد حمایت قرار نگرفته است.

در قضیه بعدی، دیوان بر این نظر بود که اختلاف در طول سواحل مربوط مالت و لیبی به نسبت (۱ به ۸) «آن‌قدر زیاد است که تعدیل خط میانه را توجیه می‌کند» (تأکید اضافه شده است)^۵. دیوان اضافه می‌کند که «درجه چنین تعدیلی وابسته به کارکرد ریاضی (محاسباتی) نخواهد بود و باید مورد بررسی بیشتری قرار گیرد»^۶. دیوان به‌علاوه متذکر می‌شود که در تحدید حدود مرز دریایی در قضیه خلیج مین^۷ (کانادا علیه ایالات متحده آمریکا)، شعبه [خاص] دیوان معتقد است که «در اوضاع و احوال خاص^۸، ممکن است پیامدهای مناسبی از نابرابری در گستره سواحل دو کشور در داخل همان ناحیه تحدید حدود حاصل شود» (تأکید اضافه شده است)^۹. با وجود این، بایستی خاطرنشان ساخت که شعبه [خاص] در زمینه موضوع مورد بحث می‌تواند «معیار منصفانه»^{۱۰} قلمداد شود که برای تحدید حدود دریایی بین المللی مورد توجه قرار گیرد» (تأکید اضافه شده است)^{۱۱}.

سپس، دیوان این نکته را چنین تشریح می‌کند:

«[...] اینکه به گستره سواحل مربوط طرفین در گیر توجه شود، به‌خودی‌خود نه معیاری به‌عنوان مبنای مستقیم تحدید حدود را تشکیل می‌دهد و نه روشی است که بتواند در اجرای چنین تحدید حدودی مورد استفاده قرار گیرد. شعبه [خاص] تصدیق می‌کند که این مفهوم عمدتاً به‌عنوان وسیله‌ای پیشنهاد شده برای کنترل اینکه آیا تحدید حدود اولیه در آغاز باید بر مبنای معیار دیگری ایجاد شود یا اینکه از روشی استفاده شود که در آن، ابتدا آن مفهوم به کار برده نشده باشد، می‌تواند در رابطه با ویژگی‌های جغرافیایی خاص این قضیه متقاعدکننده باشد یا نه. آیا این منطقی است که آن روش تصحیح شود یا نه. دیدگاه شعبه [خاص] در خصوص این موضوع با این ملاحظه خلاصه می‌شود که تحدید حدود دریایی به‌طور قطع نمی‌تواند با تقسیم ناحیه مورد اختلاف در تناسب با طول سواحل متعلق به طرفین در ناحیه مربوط ایجاد شده باشد بلکه [چنین وضعیتی] قطعاً با طول آن سواحل که منتج از تحدید حدودی است که از

1. Special Circumstance

2. Mathematica

3. *Maritime Delimitation in the Area between Greenland and Jan Mayen*, op. cit., p. 69, para. 69

4. *Continental Shelf*, (Libyan Arab Jamahiriya/Malta), 1985, op. cit., p. 45, para. 58

5. Ibid, p. 50, para. 68

6. Ibid

7. *Gulf of Maine*

8. Certain Circumstances

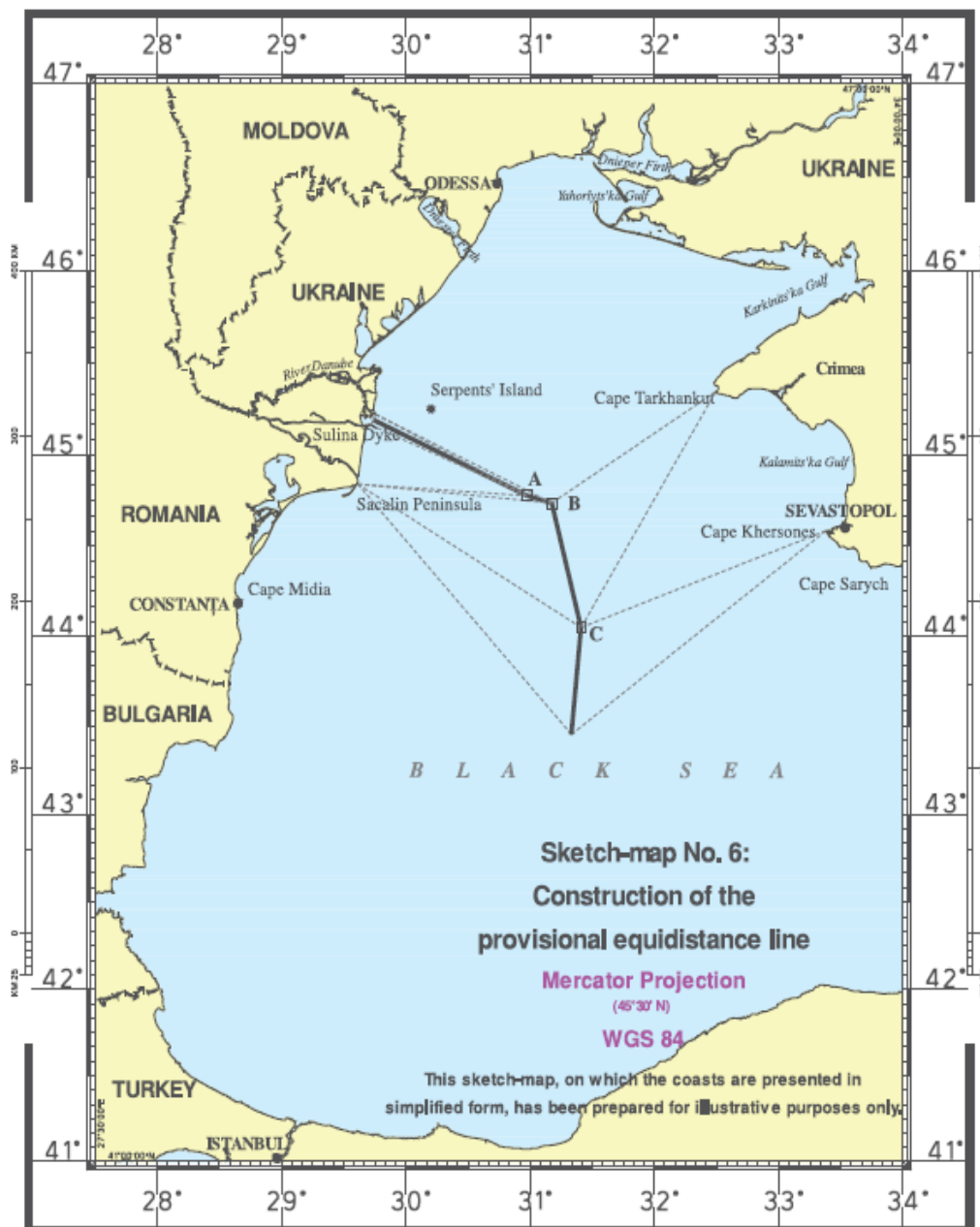
9. *Delimitation of the Maritime Boundary in the Gulf of Maine Area*, (Canada/United States of America), Judgment, I.C.J. Reports 1984, p. 313, para. 157

10. Equitable Criteria

11. Ibid, p. 312, para. 157

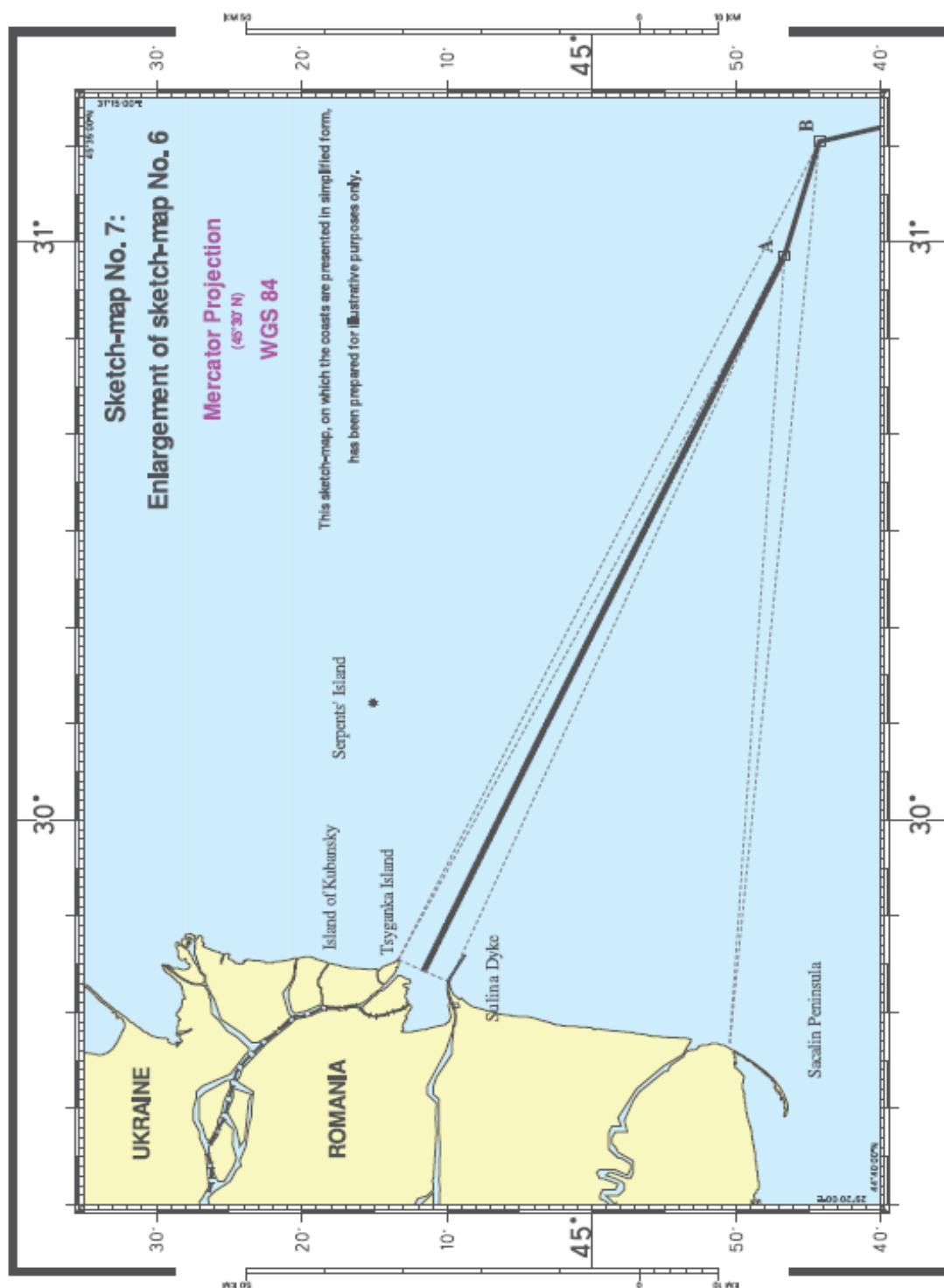
مبنای متفاوتی تأثیر پذیرفته است و اوضاع و احوالی را به وجود آورده که تصحیح مناسب را ایجاب می‌کند (تأکید اضافه شده است).^۱

در حال حاضر، دیوان چنین ناهمگونی بارزی را میان سواحل مربوط اوکراین و رومانی که ضرورت تعدیل خط هم‌فاصله اولیه را ایجاب نماید، ملاحظه نمی‌کند. دیوان یادآور می‌شود که در گذشته، ساحل خلیج کارکینیتسکا (با اندازه تقریبی ۲۷۸ کیلومتر مربع) از بررسی بعدی مستثنی شده است. سپس، دیوان متذکر می‌شود که نمی‌تواند این واقعیت را نادیده انگارد که سهم مناسبی از ساحل اوکراین که به منزله ساحل مربوط قلمداد می‌کند، تابش‌هایی در همان ناحیه و بخش‌های دیگر ساحل اوکراین دارد و لذا این ادعا، حق اوکراین را تقویت می‌کند، بدون آنکه فضای آن را گسترش دهد.



نقشه ترسیمی شماره ۶. ترسیم خط هم‌فاصله اولیه

1. Ibid, p. 323, para. 185



نقشه ترسیمی شماره ۷. عکس بزرگ‌شده نقشه شماره ۶

۸-۲- ماهیت دریای سیاه به‌عنوان دریای بسته و تحدید حدودی که پیش از این در منطقه انجام شده است^۱

دیوان یادآور می‌شود که پیش از این، به هنگام شرح مختصری از روش‌شناسی [سه مرحله‌ای] تحدید حدود، چرایی ترسیم خط هم‌فاصله اولیه را بیان کرده است. این انتخاب، به معنای واقعی نبوده که در تمامی موافقت‌نامه‌های تحدید

1. *Maritime Delimitation in the Black Sea*, op. cit., pp. 118-120, paras. 169-178

حدود مربوط به دریای سیاه از این روش استفاده شده باشد. دو موافقت‌نامه تحدید راجع به دریای سیاه مورد توجه دیوان قرار گرفته است. اولین موافقت‌نامه، موافقت‌نامه مربوط به تحدید حدود فلات قاره دریای سیاه که میان ترکیه و اتحاد جماهیر شوروی [سابق] در ۲۳ ژوئن ۱۹۷۸ منعقد شده بوده است. تقریباً هشت سال بعد، آن‌ها با مبادله یادداشت‌هایی در ۲۳ دسامبر ۱۹۸۶ و ۶ فوریه ۱۹۸۷ توافق کردند که مرز فلات قاره مورد توافق در موافقت‌نامه مورخ ۱۹۷۸ و نیز مرز میان مناطق انحصاری اقتصادی خود را مشخص کنند. غربی‌ترین بخش خط، میان دو نقطه با مختصات ۴۳ درجه و ۲۰ دقیقه و ۴۳ ثانیه شمالی و ۳۲ درجه شرقی و مختصات ۴۳ درجه و ۲۶ دقیقه و ۵۹ ثانیه شمالی و ۳۱ درجه و ۲۰ دقیقه و ۴۸ ثانیه شرقی، به ترتیب نامعین باقی ماند و (قرار شد) متعاقباً و در زمان مناسب مشخص گردد. پس از تجزیه اتحاد جماهیر شوروی [سابق] در پایان سال ۱۹۹۱، موافقت‌نامه مورخ ۱۹۷۸ و سندی که به واسطه مبادله یادداشت به موافقت‌نامه تبدیل شده، لازم‌الاجرا باقی‌مانده بود، [آن‌هم] نه‌تنها برای فدراسیون روسیه به‌عنوان دولتی که ادامه‌دهنده شخصیت حقوقی بین‌المللی اتحاد جماهیر شوروی [سابق] است بلکه برای دولت‌های جانشین اتحاد جماهیر شوروی [سابق] در حاشیه دریای سیاه که اوکراین نیز یکی از آن‌هاست. دومین موافقت‌نامه، موافقت‌نامه میان ترکیه و بلغارستان در زمینه تحدید حدود مرزی در ناحیه دهانه رودخانه رزوفسکا/مولودره^۱ و تحدید حدود نواحی دریایی میان دو دولت در دریای سیاه که در ۴ دسامبر ۱۹۹۷ امضاء شده است. ترسیم خط تحدید حدود فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی در جهت شمال شرقی میان نقطه جغرافیایی ۴۳ درجه و ۱۹ دقیقه و ۵۴ ثانیه شمالی و ۳۱ درجه و ۶ دقیقه و ۳۳ ثانیه شرقی و نقطه جغرافیایی ۴۳ درجه و ۲۶ دقیقه و ۴۹ ثانیه شمالی و ۳۱ درجه و ۲۰ دقیقه و ۴۳ ثانیه شرقی برای انجام مذاکرات بعدی در زمان مناسب مفتوح باقی ماند.

دیوان به هنگام ترسیم نقطه پایانی مرز دریایی واحد مورد درخواست در قضیه حاضر، موافقت‌نامه‌های دریایی میان ترکیه و بلغارستان و نیز میان ترکیه و اوکراین را در نظر خواهد داشت.^۲ با وجود این، دیوان در پرتو موافقت‌نامه‌های تحدید حدود پیش‌گفته و ماهیت بسته بودن دریای سیاه، هیچ تعدیلی را برای خط هم‌فاصله اولیه ترسیم‌شده، لازم نمی‌داند.

۸-۳- وجود جزیره مارها در ناحیه تحدید حدود^۳

در تعیین خط مرز دریایی، در فقدان هرگونه موافقت‌نامه تحدید حدود در چارچوب معنای مواد ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون حقوق دریاها، دیوان می‌تواند و باید کیفیات مؤثر را آن‌گونه که اظهار شده، لحاظ کند و خط هم‌فاصله اولیه را به‌منظور تضمین نتیجه منصفانه تعدیل نماید. در این مرحله، ممکن است از دیوان خواسته شود تا تصمیم‌گیری نماید که آیا [خط هم‌فاصله اولیه] باید به دلیل وجود جزایر کوچک در مجاورتش مورد تعدیل قرار گیرد یا نه. همان‌گونه که در رویه قضایی اشاره شده است، دیوان ممکن است در مواردی تصمیم گیرد که جزایر کوچک را به حساب نیاورد یا تصمیم گیرد که این جزایر از بهره‌مندی کامل از مناطق دریایی محروم باشند؛ چنین رویکردی نتیجه عدم تناسب را در خط تحدید حدود موجب می‌شود.^۴

دیوان یادآور می‌شود که پیش از این مشخص کرده است که جزیره مارها نمی‌تواند به‌عنوان نقطه مبدأ برای ترسیم

1. Rezovska/Mutludere River

۲. نگاه کنید به بخش ۱۰ رأی:

10. THE LINE OF DELIMITATION (خط تحدید حدود)

3. *Maritime Delimitation in the Black Sea*, op. cit., pp. 120-123, paras. 179-188

4. See: *Continental Shelf*, (Libyan Arab Jamahiriyah/Malta), 1985, op. cit., p. 48, para. 64; *Maritime Delimitation and Territorial Questions between Qatar and Bahrain*, (Qatar v. Bahrain), Merits, Judgment, I.C.J. Reports 2001, p. 104, para. 219; *Territorial and Maritime Dispute between Nicaragua and Honduras in the Caribbean Sea*, op. cit., pp. 751 et seq., paras. 302 et seq.

خط هم‌فاصله اولیه میان سواحل طرفین قلمداد شود و دیوان در اولین مرحله از فرآیند تحدید حدود، خط پیش‌گفته را ترسیم کرده است، چراکه جزیره پیش‌گفته بخشی از شکل کلی جغرافیایی ساحل را تشکیل نمی‌دهد. اکنون دیوان بایستی در دومین مرحله تحدید حدود، اظهار و اعلام دارد که آیا وجود جزیره مارها در ناحیه تحدید حدود دریایی، کیفیات مؤثری را ایجاد کرده که لزوم تعدیل خط هم‌فاصله اولیه را ایجاب کند یا نه؟

دیوان در رابطه با جغرافیای بخش شمال غربی دریای سیاه، توجه مقتضی^۱ به این واقعیت دارد که ساحل اوکراین در غرب، شمال و شرق این ناحیه قرار دارد. دیوان متذکر می‌شود که تمام نواحی موضوع تحدید حدود در این قضیه، در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره قرار دارند که توسط سواحل سرزمین اصلی طرفین احاطه شده و به‌علاوه، در داخل ۲۰۰ مایل دریایی ساحل سرزمین اصلی اوکراین واقع است. دیوان اظهار می‌دارد که جزیره مارها تقریباً در ۲۰ مایل دریایی شرق ساحل سرزمین اصلی اوکراین در ناحیه دلتای دانوب قرار گرفته است. با توجه به این شکل جغرافیایی و در چارچوب تحدید حدود با رومانی، هرگونه بهره‌مندی از فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی که ممکن است به‌واسطه جزیره مارها به وجود آید، نمی‌تواند بیش از میزان بهره‌مندی باشد که به‌واسطه ساحل سرزمین اوکراین ایجاد می‌شود، زیرا گستره جنوبی ناحیه تحدید حدود توسط دیوان مشخص شده است (نگاه کنید به نقشه ترسیمی شماره ۵). به‌علاوه، هرگونه بهره‌مندی احتمالی که توسط جزیره مارها ایجاد شده، در قسمت شرقی است که کاملاً از بهره‌مندی که به‌واسطه سواحل سرزمین اصلی غربی و شرقی اوکراین حاصل شده است. علاوه بر آن، دیوان یادآور می‌شود که اوکراین به‌خودی‌خود، جزیره مارها را مشمول بند ۲ ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاهای می‌داند، به‌گونه‌ای که نتیجه آن، وجود جزیره مارها در منطقه مورد تحدید باشد؛ اما جزیره نمی‌تواند ناحیه مربوط را فراتر از محدوده‌ای که در ساحل سرزمین اصلی اش ایجاد شده، بسط دهد (نگاه کنید به نقشه ترسیمی شماره ۳).

دیوان در پرتو این عوامل، نتیجه می‌گیرد که جزیره مارها نمی‌تواند برای تعدیل خط هم‌فاصله اولیه مورد توجه قرار گیرد. از نظر دیوان، دیوان نه نیازی به ملاحظه اینکه آیا جزیره مارها تحت شمول بندهای ۲ یا ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاهاست و نه ارتباط آن با این قضیه دارد.

علاوه بر این، دیوان یادآور می‌شود که متعاقب توافق‌های میان طرفین، ۱۲ مایل دریایی به‌عنوان دریای سرزمینی به جزیره مارها تعلق داشته است. دیوان نتیجه می‌گیرد که در چارچوب این قضیه، جزیره مارها، هیچ اثری بر تحدید حدود در این قضیه نمی‌گذارد، به غیر از اینکه آن، دنباله کمان ۱۲ مایل دریایی دریای سرزمینی اش باشد.

۸-۴- رفتار طرفین (امتیازات نفت و گاز، فعالیت‌های ماهیگیری و گشت‌زنی دریایی)^۲

دیوان یادآوری می‌نماید که قبلاً نتیجه گرفته است که هیچ توافق لازم‌الاجرائی میان طرفین در خصوص تحدید حدود فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی وجود ندارد. همچنین، دیوان بیان می‌دارد که اوکراین بر فعالیت‌های دولتی به‌منظور اثبات توافق ضمنی یا «ترتبات موقتی»^۳ میان طرفین [تا حل قطعی اختلاف] در خطی که مناطق انحصاری اقتصادی و فلات قاره را از یکدیگر جدا می‌کند، متکی نیست. به‌علاوه، اوکراین به فعالیت‌های دولتی به‌منظور تضعیف خط ادعایی رومانی اشاره دارد.

دیوان در اوضاع و احوال قضیه مطروح، نقش خاصی را برای فعالیت‌های دولتی که در بالا و در تحدید حدود دریایی بدان استناد شده، قائل نیست. همان‌طور که مرجع دآوری در قضیه میان بارابادوس و ترینیداد و توباگو معتقد بود که «معیار منبع مرتبط که با احتیاط زیادی در تصمیمات دیوان‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی بررسی شده، دایر بر آن

1. Due Regard

2. *Maritime Delimitation in the Black Sea*, op. cit., pp. 123-126, paras. 189-198

3. *Modua Vivendi*

است که به‌طور کلی این عامل را به‌عنوان کیفیات مؤثر اعمال نخواهد کرد^۱. در رابطه با ماهیگیری، دیوان اضافه می‌نماید که هیچ ادله‌ای از سوی اوکراین به او ارائه نشده است که نشان دهد هر خط تحدید حدودی به غیر از آنچه که توسط این کشور ادعا شده است، «احتمالاً پیامدهای فاجعه باری برای معاش و رفاه اقتصادی مردم خواهد داشت»^۲. به این سبب که دیوان فعالیت‌های دولتی پیش گفته در بالا را به‌عنوان کیفیات مؤثر در قضیه حاضر قلمداد نمی‌کند، لذا ضرورتی به پاسخ به موضوع زمان تعیین‌کننده^۳ که توسط طرفین به بحث گذارده شده، وجود ندارد.

۸-۵- قطع هرگونه اثر^۴

دیوان ملاحظه می‌نماید که خطوط تحدید حدودی که توسط طرفین پیشنهاد شده، به‌ویژه راجع به قسمت‌های اولیه آن خطوط، هر یک به‌طور تعیین‌کننده‌ای بهره‌مندی طرف دیگر را در مورد فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی کاهش می‌دهد. خط [تحدید حدود] رومانی مانع از حقوقی می‌شود که اوکراین از ساحل مجاور رومانی، یعنی ساحل شمالی اوکراین، به دست آورده است. به همان ترتیب، خط [تحدید حدود] اوکراین بهره‌مندی که رومانی را از ساحلش، به ویژه از قسمت اول بین سد سولینا و شبه‌جزیره ساکالین به دست آورده، محدود می‌کند. در مقابل، خط هم‌فاصله اولیه‌ای که توسط دیوان ترسیم شده، مانع از بروز چنین اشکالی می‌شود؛ چراکه موجب می‌شود سواحل مجاور طرفین در رابطه با بهره‌مندی دریایی^۵ به شیوه معقول و متعادل برای هر دو طرف واجد آثاری باشد. به این ترتیب، دیوان دلیلی نمی‌بیند تا خط هم‌فاصله اولیه را تعدیل کند.

۸-۶- ملاحظات امنیتی طرفین^۶

دیوان توجه خود را به دو ملاحظه معطوف می‌دارد. اول، ملاحظات امنیتی مشروع طرفین که ممکن است نقشی در تعیین تحدید حدود نهایی ایفا نمایند^۷. دوم، با وجود این در قضیه حاضر، خط هم‌فاصله اولیه ترسیم شده به‌طور اساسی متفاوت از خطوطی است که توسط رومانی یا اوکراین ترسیم شده است. خط هم‌فاصله اولیه‌ای که توسط دیوان تعیین شده، به‌طور کامل منافع امنیتی مشروع طرفین را تأمین می‌کند؛ بنابراین، نیازی نیست تا خط برمبنای این ملاحظه تعدیل گردد.

۹- خط تحدید حدود^۸

دیوان این واقعیت را یادآور می‌شود که ماده ۱ معاهده رژیم مرزی دولتی مورخ ۲۰۰۳، نقطه تلاقی دریا‌های سرزمینی طرفین را در ۴۵ درجه و ۵ دقیقه و ۲۱ ثانیه شمالی و ۳۰ درجه و ۲ دقیقه و ۲۷ ثانیه شرقی قرار می‌دهد. این [ماده] برای تعیین نقطه شروع کافی است. رومانی و اوکراین هر دو به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای مفصلاً به مسیری اشاره کرده‌اند که خطوط تحدید حدود آن‌ها باید فراتر از نقطه‌ای امتداد یابد که در ماده ۱ معاهده رژیم مرزی دولتی مورخ ۲۰۰۳ تعیین شده است (نگاه کنید به نقشه ترسیمی شماره ۱).

خط تحدید حدودی که دیوان به‌عنوان نقطه مبدأ در آن مورد تصمیم‌گیری نموده، نه در منتهی‌الیه سد سولینا به

1. *Delimitation of the exclusive economic zone and the continental shelf*, (Barbados/Trinidad and Tobago), Arbitral Tribunal, RIAA, Vol. XXVII, Award of 11 April 2006, p. 214, para. 241
2. *Delimitation of the Maritime Boundary in the Gulf of Maine Area*, op. cit., p. 342, para. 237
3. Critical Date
4. *Maritime Delimitation in the Black Sea*, op. cit., pp. 126-127, paras. 199-201
5. Maritime entitlement
6. Ibid, pp. 127-128, paras. 202-204
7. See: *Continental Shelf*, (Libyan Arab Jamahiriya/Malta), 1985, op. cit., p. 42, para. 51
8. *Maritime Delimitation in the Black Sea*, op. cit., pp. 128-129, paras. 205-209

سمت دریا قرار دارد و نه در جزیره مارها است، [بلکه] خط تحدید حدود در نقطه ۱ آغاز می‌شود و با یک کمان ۱۲ مایل دریایی اطراف جزیره مارها امتداد می‌یابد تا جایی که با خط هم‌فاصله از سواحل مجاور رومانی و اوکراین تلاقی می‌یابد، همان‌گونه که در بالا شرح داده شد، از این نقطه، خط [تحدید حدود] تا جایی که نقاط مبدأ در سواحل مقابل رومانی و اوکراین تحت تأثیر قرار می‌گیرند، امتداد می‌یابد. از این [نقطه] چرخش، خط تحدید حدود در امتداد خط هم‌فاصله از سواحل مقابل رومانی و اوکراین کشیده می‌شود. دیوان براین باور است که فقط تحدید حدود در امتداد خط هم‌فاصله در سمت جنوبی تا نقطه‌ای که ورای آن منافع دولت‌های ثالث ممکن است تحت تأثیر قرار گیرند؛ ادله پیدا می‌کند.

۱۰- معیار عدم تناسب^۱

دادگاه سپس به بررسی این امر می‌پردازد که نتیجه‌ای که تاکنون به دست آمده است، تا آنجا که به خط تحدید حدود پیش‌بینی‌شده مربوط می‌شود، با توجه به طول‌های ساحل مربوط و تخصیص نواحی که [از پس آن تحدید حدود] حاصل می‌شود، منجر به عدم تناسب قابل توجهی نمی‌شود. دیوان با این ملاحظه موافقت دارد:

«برخلاف اصل کلی تناسب که معیار یا عامل مربوط قلمداد می‌شود... درواقع به‌هیچ‌وجه، مسئله تغییر کامل ماهیت مطرح نیست... بلکه مسئله جبران آثار عدم تناسب و غیرمنصفانه بودن است که از اشکال یا برآمدگی‌های جغرافیایی خاص ایجاد می‌شود»^۲.

قرار نیست تخصیص سهم فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی به‌طور متناسبی در طول سواحل مربوط انجام شود بلکه دیوان «اصول گذشته»^۳ را در مورد منصفانه بودن خط تحدید حدودی که خود ترسیم کرده، ملحوظ خواهد داشت.^۴ این بررسی صرفاً می‌تواند تقریبی باشد. در گذشته، شیوه‌های گوناگونی برای ارزیابی طول ساحل با الزامات نامشخص حقوق بین‌الملل به کار گرفته شده که هدفش نشان دادن این مسائل است که آیا خط ساحلی واقعی بایستی دنبال می‌شده یا از مبدأ استفاده شده یا اینکه آیا سواحل مرتبط با آب‌های داخلی باید مستثنی می‌شده یا نه.

دیوان نمی‌تواند این موضوع را نادیده انگارد که دادگاه‌های متعدد و خود دیوان، در طول سال‌ها نتایج متفاوتی را دریافته‌اند، به‌گونه‌ای که [این پرسش مطرح است] که چه نوع اختلافی در مورد طول ساحل موجد عدم تناسب فاحش گردیده و اظهار شده که خط تحدید حدود غیرمنصفانه است و [آن خط]، هنوز هم نیاز به تعدیل دارد. نتیجه اینکه در هر قضیه‌ای منوط به درک دیوان از رجوع به جغرافیای سراسری کل ناحیه می‌شود. در قضیه مطروح، دیوان سواحل را مطابق با جهت کلی آن‌ها اندازه‌گیری کرده و از خطوط مبدأیی که توسط طرفین برای اندازه‌گیری پیشنهاد شده، استفاده نکرده است. خطوط ساحلی که در امتداد آب‌هایی که پشت خلیج‌ها و خورهای عمیق قرار گرفته‌اند، بدین منظور تخصیص نیافته‌اند. این اندازه‌گیری‌ها ضرورتاً تقریبی هستند، با این هدف که در این مرحله پایانی، اطمینان حاصل شود که هیچ عدم تناسب مهمی وجود ندارد. در مرحله سوم، برای دیوان کافی است تا یادآوری کند که سهم طول ساحل مربوط برای رومانی و اوکراین، آن‌گونه که در بالا توضیح داده شد، اندازه‌گیری شود، یعنی تقریباً نسبت ۱ به ۲/۸ و سهم ناحیه مرتبط میان رومانی و اوکراین به‌طور تقریبی ۱ به ۲/۱ است. دیوان این اظهارنظرها را قبول ندارد که [بنا بر آن] خط چون ترسیم‌شده و با دقت در کیفیات مؤثر مورد بررسی قرار گرفته است، لذا تعدیل را تضمین می‌کند بلکه معتقد است که هرگونه تغییری که لازم باشد، باید صورت گیرد.

1. Ibid, pp. 129-130, paras. 210-216

2. *Anglo-French Continental Shelf Case*, (the United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland, and the French Republic {UK, France}), RIAA, Vol. XVIII, Decision of 30 June 1977, p. 58, para. 101

3. ex post facto

4. *Delimitation of the maritime boundary*, (Guinea/Guinea-Bissau), RIAA, Vol. XIX, 14 February 1985, pp. 183-184, paras. 94-95

۱۱- مرز دریایی که فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی را تحدید حدود می‌کند^۱

دیوان مورد توجه قرار می‌دهد که مرز دریایی که فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی را تحدید حدود می‌کند، با مرز دولتی که سرزمین‌های دولت‌ها را از یکدیگر جدا می‌کند، نباید همانند باشد. بیش از این توضیح داده شد که طبق حقوق بین‌الملل، دولت‌های ساحلی در محدوده‌هایی از مناطق دریایی دارای حقوق حاکمه خاصی به منظورهای معینی هستند. متعاقباً در مورد محدوده‌های سرزمینی حاکمیت دولتی توضیح داده شد. در نتیجه دیوان مورد توجه قرار می‌دهد که هیچ ابهامی در مورد ماهیت مرز دریایی تحدید حدود کننده منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره وجود ندارد و از این رو، دیوان این اصطلاح را به کار می‌گیرد.

خط مرز دریایی که توسط دیوان ایجاد شده، از نقطه ۱ شروع می‌شود؛ نقطه‌ای که تقاطع محدوده بیرونی دریای سرزمینی رومانی با دریای سرزمینی اوکراین، اطراف جزیره مارها را در بر می‌گیرد؛ آن گونه که در ماده ۱ رژیم مرز دولتی مورخ ۲۰۰۳ مقرر شده است. این خط از نقطه ۱ کمان ۱۲ مایل دریایی دریای سرزمینی جزیره مارها ادامه پیدا می‌کند تا به کمانی می‌رسد که در نقطه ۲ با مختصات ۴۵ درجه و ۳ دقیقه و ۱۸/۵ ثانیه شمالی و ۳۰ درجه و ۹ دقیقه و ۲۴/۶ ثانیه شرقی، با خط هم‌فاصله سواحل مجاور رومانی و اوکراین که با ارجاع به نقاط مبدأیی که در منتهی‌الیه سد سولینا به سمت دریا و نقطه جنوب شرقی جزیره تسیگانکا ترسیم شده، تلاقی پیدا می‌کند. مرز دریایی از نقطه ۲ در امتداد خط هم‌فاصله در جهت جنوب شرقی تا نقطه ۳ با مختصات ۴۴ درجه و ۴۶ دقیقه و ۳۸/۷ ثانیه شمالی و ۳۰ درجه و ۵۸ دقیقه و ۳۷/۳ ثانیه شرقی (نقطه A خط هم‌فاصله اولیه) امتداد می‌یابد، جایی که خط هم‌فاصله از نقطه مبدأیی که در شبه جزیره ساکالین واقع شده، متأثر می‌گردد.

از نقطه ۳، مرز دریایی، خط هم‌فاصله را در جهت جنوب شرقی تا نقطه ۴ با مختصات ۴۴ درجه و ۴۴ دقیقه و ۱۳/۴ ثانیه شمالی و ۳۱ درجه و ۱۰ دقیقه و ۲۷/۷ ثانیه شرقی (نقطه B خط هم‌فاصله اولیه است) دنبال می‌کند، جایی که خط هم‌فاصله از نقطه مبدأیی متأثر می‌شود که در دماغه تارخانکوت در ساحل مقابل اوکراین قرار دارد و تا جنوب و جنوب شرقی متمایل می‌شود. از نقطه ۴، خط هم‌فاصله از سواحل مقابل رومانی و اوکراین تا نقطه ۵، با مختصات ۴۴ درجه و ۲ دقیقه و ۵۳ ثانیه شمالی و ۳۱ درجه و ۲۴ دقیقه و ۳۵ ثانیه شرقی (نقطه C خط هم‌فاصله اولیه است) که توسط نقاط مبدأ در شبه جزیره ساکالین در ساحل رومانی و دماغه‌های تارخانکوت و خرسونس احاطه شده، امتداد می‌یابد؛ جایی که خط مرز در امتداد خط هم‌فاصله در جهت جنوبی زاویه نقشه‌برداری شده با مختصات ۱۸۵ درجه و ۲۳ دقیقه و ۵۴/۵ ثانیه شروع می‌شود تا مرز دریایی که به ناحیه‌ای می‌رسد که حقوق دولت‌های ثالث ممکن است تحت تأثیر قرار گیرند (نگاه کنید به نقشه‌های ترسیمی شماره‌های ۸ و ۹).

مختصات جغرافیایی برای نقاط ۲، ۳، ۴ و ۵ مرز دریایی واحد که در این بند و در بند اجرایی ظبا ارجاع به مأخذهای WGS ۸۴ تعیین شده است.

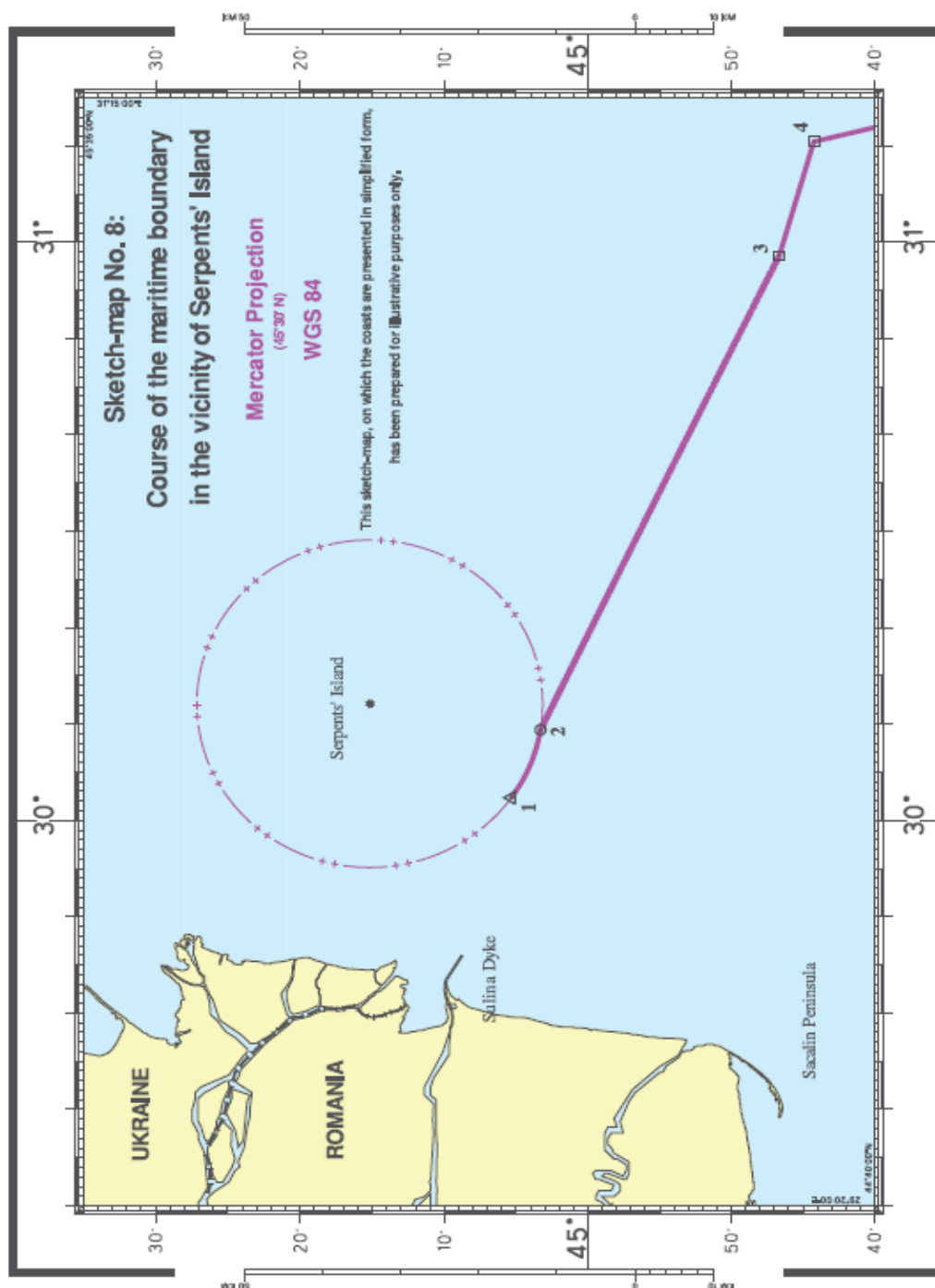
۱۲- بند اجرایی رأی دیوان^۲

به این دلایل، دیوان به اتفاق آرا تصمیم می‌گیرد که [خط تحدید حدود را] از نقطه ۱ آغاز کند، همان‌طور که طرفین در ماده ۱ معاهده رژیم مرزی دولتی مورخ ۲۰۰۳ توافق کرده‌اند [و بر این اساس]، مرز دریایی واحد فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی رومانی و اوکراین را در دریای سیاه تحدید حدود می‌کند، از کمان ۱۲ مایل دریایی دریای سرزمینی اوکراین در اطراف جزیره ساکالین تا نقطه ۲ (با مختصات ۴۵ درجه و ۳ دقیقه و ۱۸/۵ ثانیه شمالی و ۳۰ درجه و ۹ دقیقه و ۲۴/۶ ثانیه شرقی) امتداد می‌یابد، در اینجا کمان پیش‌گفته با خط هم‌فاصله از سواحل مجاور رومانی و

1. *Maritime Delimitation in the Black Sea*, op. cit., pp. 130-131, paras. 217-218

2. Ibid, p. 131

اوکراین تلاقی پیدا می‌کند. از نقطه ۲ خط مرزی، خط هم‌فاصله را تا نقطه ۳ (با مختصات ۴۴ درجه و ۴۶ دقیقه و ۳۸/۷ ثانیه شمالی و ۳۰ درجه و ۵۸ دقیقه و ۳۷/۳ ثانیه شرقی) و نقطه ۴ (با مختصات ۴۴ درجه و ۴۴ دقیقه و ۱۳/۴ ثانیه شمالی و ۳۱ درجه و ۱۰ دقیقه و ۲۷/۷ ثانیه شرقی) دنبال می‌کند تا اینکه به نقطه ۵ (با مختصات ۴۴ درجه و ۲ دقیقه و ۵۳ ثانیه شمالی و ۳۱ درجه و ۲۴ دقیقه و ۳۵ ثانیه شرقی) برسد. از نقطه ۵، خط مرز دریایی در امتداد خط هم‌فاصله از ساحل مقابل رومانی و اوکراین در جهت جنوبی نقطه‌ای که در زاویه نقشه‌برداری شده با مختصات ۱۸۵ درجه و ۲۳ دقیقه و ۵۴/۴ ثانیه شروع می‌شود، ادامه می‌یابد، تا به ناحیه‌ای می‌رسد که حقوق دولت‌های ثالث ممکن است تحت تأثیر قرار گیرند.



نقشه ترسیمی شماره ۸. مسیر مرز دریایی در مجاور جزیره مارها



نقشه ترسیمی شماره ۹. مسیر مرز دریایی

نتیجه‌گیری

در ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۴، رومانی دادخواستی را نزد دیوان بین‌المللی دادگستری ثبت کرد. این منازعه میان رومانی و اوکراین در دریای سیاه، در زمینه مشخص نمودن یک مرز واحد برای تحدید حدود فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی میان دو کشور به وجود آمده بود. رومانی برای تأیید صلاحیت دیوان برای رسیدگی به قضیه، به پاراگراف ۱ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان و همچنین، پاراگراف ۴ ماده ۲ معاهده میان دو کشور با موضوع حسن هم‌جواری و همکاری که در ۲ ژوئن سال ۱۹۹۷ منعقد گردیده بود، اشاره نمود. در قیود این معاهده ذکر شده بود که با تحقق دو شرط طرفین

می‌توانند به دیوان رجوع نمایند. شرط اول آنکه، طرفین در مورد تحدید حدود، لازم است در مدت‌زمان قابل‌قبولی که بیشتر از ۲ سال نباشد به نتیجه مناسب دست یابند؛ درحالی‌که زمان طی شده در مذاکره تحدید حدود میان دو کشور به ۶ سال بالغ شده بود و در این مدت، هیچ‌گونه توافقی میان آن‌ها حاصل نگردیده بود. شرط دوم آنکه، این معاهده باید اجرایی شده باشد؛ دیوان با بررسی این موارد متذکر شد که معاهده مورد اشاره، در ۲۷ می سال ۲۰۰۴ اجرایی شده است؛ اما با وجود این، دو کشور در زمینه محدوده صلاحیت اعطایی به دیوان با یکدیگر هم‌سو نیستند.

دیوان اظهار داشت برخلاف اظهارات اوکراین، هیچ‌یک از دلایل آن کشور مانعی برای صلاحیت دیوان در تعیین یک خط که از یک سو فلات قاره و منطقه انحصاری دو کشور و از سوی دیگر دریای سرزمینی میان آن دو را مشخص کند، وجود نخواهد داشت. دیوان با بررسی حقوق قابل اعمال در رابطه با اصول فهرست شده در زیربخش‌های (الف تا ث) بند ۴ موافقت‌نامه الحاقی میان دو کشور، اعلام نمود تا جایی که این اصول با قواعد حقوق بین‌الملل و اصول تحدید حدود از بند ۱ مواد ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ منطبق باشد، توسط دیوان قابل کاربرد خواهد بود.

این دو کشور در مورد مرز دریایی اطراف جزیره مارها و همچنین، نقطه آغازین تحدید حدود توافق نداشتند؛ بنابراین، دیوان باید کار خود را با تعیین نقطه‌ای به‌عنوان نقطه آغازین جهت تحدید حدود شروع می‌کرد که دو کشور بر آن نقطه توافق داشته باشند. دیوان تأکید کرد که در موافقت‌نامه سال ۱۹۴۹ میان شوروی سابق و رومانی، کمانی با شعاع ۱۲ مایلی در اطراف جزیره مارها پذیرفته شده است؛ اما نقطه پایانی آن کمان مشخص نگردیده است. در ضمن، دیوان متذکر شد که در معاهده تعیین رژیم مرزی دو کشور در سال ۲۰۰۳، نقطه پایانی مرز میان دو کشور در نقطه تقاطع دریای سرزمینی دو کشور تعیین گردیده است و دیوان این نقطه را به‌عنوان نقطه شماره ۱ فرض نمود. سپس به این موضوع پرداخت که آیا در معاهده ۱۹۴۹ مرز مشخص دریایی که مناطق فلات قاره و انحصاری اقتصادی دو کشور را مشخص کند وجود دارد یا نه؟ که در صورت وجود چنین قیودی، مطابق مواد ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ به دلیل وجود یک معاهده قابل اعمال میان دو کشور، مرز دریایی با استفاده از همان معاهده تعیین می‌گردد؛ اما دیوان به این نتیجه رسید که معاهده ۱۹۴۹ فاقد هرگونه مشخصه‌ای در تعیین فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی است و معاهده الحاقی آن در سال ۱۹۹۷ تنها سندی است که در مورد فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی سخنی به میان آمده است. البته در این معاهده الحاقی، مرزی برای این مناطق میان دو کشور تعیین نشده است بلکه فقط به روش‌هایی برای این منظور اشاره گردیده است و معاهده ۱۹۴۹ تنها برای تعیین مرز دریایی در اطراف جزیره مارها قابل اعمال است.

دیوان متذکر شد که خطوط ساحلی به دو طریق می‌توانند در تعیین مرزهای دریایی دو کشور مؤثر باشند. اول، تعیین آنکه کدام‌یک از سواحل را باید در تشکیل یک روش تحدید حدود موردنظر قرار داد و دوم، سواحل موردنظر باید در مرحله سوم و پایانی فرآیند تحدید حدود، از لحاظ هرگونه تناسب و یا عدم تناسب طولی مورد بررسی قرار گیرند. هر دو طرف موافق بودند که تمامی ساحل رومانی که طول آن بالغ بر ۲۴۸ کیلومتر است، باید در تحدید حدود موردنظر قرار گیرد و از سوی دیگر برای اوکراین نیز، دو طرف موافقت داشتند تا علاوه بر ساحل اصلی اوکراین، ساحل شبه‌جزیره کریمه بین دماغه تارخانکوت تا دماغه ساریچ هم مورد توجه واقع شود. مرز مورد اختلاف درواقع از نقطه S تا دماغه تارخانکوت را شامل می‌گشت؛ بنابراین، دیوان این بخش را که باعث هم‌پوشانی میان مناطق مورد ادعای دو کشور گشته بود، به‌عنوان ساحل مربوط با تحدید حدود مدنظر قرار داد. به این ترتیب، طول ساحل اوکراین که در تحدید حدود مورد توجه قرار می‌گرفت، بالغ بر ۷۰۵ کیلومتر می‌گردید.

همچنین، این دو کشور در مشخص کردن سه گوشه‌های (مثلث‌های) جنوب غربی و جنوب شرقی به‌عنوان بخشی از فرآیند دستیابی به خط مرزی، دیدگاه‌های متفاوتی داشتند که این اختلاف باعث هم‌پوشانی مناطق مورد ادعای آنان شده بود. دیوان کار خود را با ترسیم یک خط هم‌فاصله بین سواحل دو کشور آغاز نمود که به‌صورت خط میانه میان سواحلی که در مقابل یکدیگر قرار داشتند، عمل می‌نمود. در مرحله بعد، دیوان به جست‌وجوی شرایطی که باعث تعدیل و جابه‌جایی این خط در نقاط مشخصی باشند، پرداخت. دیوان به این نتیجه رسید که خط پیش‌گفته با در نظر گرفتن طول نسبی خطوط ساحلی دو کشور و همچنین، مساحت منطقه محصورشده در پشت آن، هیچ‌گونه عدم تعادل و نابرابری را ایجاد نمی‌نماید. دیوان وظیفه خود را در آن دید تا ابتدا یک سری نقاط مناسب را که در آن تغییرات مهمی در امتداد ساحل به وجود آمده است را مشخص نماید، تا از اتصال این نقاط به یکدیگر، نمای ظاهری متناسب با شکل سواحل دو کشور آشکار گردد. این نقاط، از سوی هر دو طرف به‌عنوان نقاط مناسب برای تعیین خط هم‌فاصله تأیید شدند. دیوان تأکید نمود که تصمیم دارد به جزایر بسیار کوچک در تحدید مرز توجه ننماید و یا به آن‌ها اثر کامل را در تحدید حدود ندهد؛ چراکه در غیراین صورت، باعث ایجاد عدم تناسب در مناطق دریایی موردنظر خواهد گردید. جزیره مارها در ۲۰ مایلی شرق سواحل اوکراین قرار دارد؛ اما در تحدید حدود صورت گرفته توسط دیوان، تأثیر این جزیره بر محدوده فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی اوکراین از محدوده مربوط به سرزمین اصلی این کشور فراتر نرفت و نتیجتاً وجود این جزیره تأثیری بر تعدیل و جابه‌جایی خط هم‌فاصله نداشته است؛ اما محدوده ۱۲ مایلی دریای سرزمینی برای آن، با توجه به توافق‌نامه میان دو کشور مورد تأیید قرار گرفت. در ضمن، دیوان موارد دیگری چون امتیازات دو کشور در زمینه‌های ماهیگیری، نفت و گاز و مسائل امنیتی دو کشور و تناسب میان سواحل را نیز در این قضیه مدنظر قرار داد؛ اما هیچ‌یک از این شرایط را به‌عنوان کیفیات مؤثر و عاملی در تعدیل خط میانه، دارای شرایط مناسب ندانست. درنهایت شایان اشاره است، از آنجاکه این رأی به اتفاق آرا صادر گردید، استثنائاً در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری، متضمن نظریات جداگانه یا مخالف قضات دیوان نیست.

منابع

- Anglo-French Continental Shelf Case, (the United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland, and the French Republic {UK, France}), RIAA, Vol. XVIII, Decision of 30 June 1977.
- Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), Judgment, I.C.J. Reports 2007 (I).
- Continental Shelf, (Libyan Arab Jamahiriya/Malta), Judgment, I.C.J. Reports 1985.
- Continental Shelf, (Tunisia/Libyan Arab Jamahiriya), Judgment, I.C.J. Reports 1982.
- Delimitation of the exclusive economic zone and the continental shelf, (Barbados/Trinidad and Tobago), Arbitral Tribunal, RIAA, Vol. XXVII, Award of 11 April 2006.
- Delimitation of the Maritime Boundary in the Gulf of Maine Area, (Canada/United States of America), Judgment, I.C.J. Reports 1984.
- Delimitation of the maritime boundary, (Guinea/Guinea-Bissau), RIAA, Vol. XIX, 14 February 1985.
- Federal Republic of Germany/ Denmark; North Sea Continental Shelf, (Federal Republic of Germany/Denmark), Judgment, I.C.J. Reports 1969.
- Fisheries, (United Kingdom v. Norway), Judgment, I.C.J. Reports 1951.
- ILC Yearbook, Vol. II, 1956.
- Land and Maritime Boundary between Cameroon and Nigeria, (Cameroon v. Nigeria: Equatorial Guinea intervening), Judgment, I.C.J. Reports 2002.
- Maritime Delimitation and Territorial Questions between Qatar and Bahrain, (Qatar v. Bahrain), Merits, Judgment, I.C.J. Reports 2001.
- Maritime Delimitation in the Area between Greenland and Jan Mayen, (Denmark v. Norway), Judgment, I.C.J. Reports 1993.
- Maritime Delimitation in the Black Sea, (Romania v. Ukraine), I.C.J., Judgment 2009.

- Maritime Delimitation, (Eritrea/Yemen), Award of the Arbitral Tribunal in the Second Stage of the Proceedings, RIAA, Vol. XXII, 17 December 1999.
- Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, (Nicaragua v. United States of America), Jurisdiction and Admissibility, Judgment, I.C.J. Reports 1984.
- North Sea Continental Shelf, (Federal Republic of Germany/Denmark; Federal Republic of Germany/Netherlands, Judgment, I.C.J. Reports 1969.
- Sovereignty over Pedra Branca/Pulau Batu Puteh, Middle Rocks and South Ledge, (Malaysia/Singapore), Judgment, I.C.J. Reports 2008.
- Territorial and Maritime Dispute between Nicaragua and Honduras in the Caribbean Sea, (Nicaragua v. Honduras), I.C.J. Reports 2007 (II).

استناد به این مقاله: بیگلریگی، کیان. (۱۴۰۴). قدم نهادن دیوان بین‌المللی دادگستری در راستای پیش‌بینی‌پذیر نمودن تحدید حدود دریایی؛ تحدید حدود سه‌مرحله‌ای در پرتو قضیه تحدید حدود دریایی در دریای سیاه. فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق، ۵(۲)، ۴۵-۶.



Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.